



آلمان مأموریت نظامی خود در افغانستان را برای یک سال دیگر تمدید کرد

اطلاعات روز: پارلمان آلمان طرح تازه‌ی دولت این کشور را که براساس آن مأموریت نظامیان آلمانی در افغانستان برای یک سال دیگر تمدید...

صفحه ۲

کنایه در غیبت

صفحه ۳

اوبنورها و سین کیانگ؛

چین پنج نماینده پارلمان بریتانیا را تحریم متقابل کرد

صفحه ۶

شناس نامه برقی؛

فضای شیک آنلاین وبی نظمی در مدیریت توزیع



صفحه ۷

یادداشت روز

انتخابات زودهنگام؛ طرحی که نه ممکن است و نه مطلوب

خبرگزاری رویترز گزارش کرده که رییس جمهور غنی طرح پیشنهادی امریکا برای صلح افغانستان را رد کرده و در مقابل طرحی برگزاری انتخابات زودهنگام را داده است. رویترز به نقل از منابع نزدیک به ارگ ریاست جمهوری افغانستان گفته است که غنی حاضر نیست از قدرت کنار برود. هرچند جزئیات بیشتری از این طرح روشن نیست، اما ظاهراً رییس جمهور در نظر دارد که از سازمان ملل متحد بخواهد انتخابات جدید را از نزدیک نظارت کند تا اطمینان یابد که از سوی تمامی طرفها پذیرفته شده است. این طرح رییس جمهور غنی بخشی از سناریوی دوامدار مخالفت او با طرح امریکا و تقلا برای ماندن در قدرت است. او پیش از این نیز با طرح امریکا برای صلح افغانستان مخالفت کرده و به انتقال قدرت از طریق انتخابات تأکید کرده بود. انتخابات زودهنگام به عنوان طرح ارگ برای نشست استانبول بیشتر از آن که راه حل برای رسیدن به یک توافق سیاسی باشد، حرکت برای به بن بست کشاندن نشست استانبول و مخالفت با طرح دولت انتقالی صلح اداره...

۲



جو بایدن:

خروج نیروهای امریکایی از افغانستان در اول ماه می «به دلایل فنی» دشوار است

۲

پولیس فاریاب یک کودک هفت ساله را از چنگ آدم ربایان نجات داد

اطلاعات روز: پولیس فاریاب می گوید که یک کودک خردسال را از چنگ آدم ربایان در مربوطات ولسوالی قرغان این ولایت نجات داده و دوباره به خانواده اش تسلیم داده است...

۶

۴۳ سناتور امریکایی خواستار خودداری دولت بایدن از بازگشت به برجام شدند



ترجمه ۴

بایدن انتخاب دلبره آوری در پیش دارد پنج عامل بر تصمیم بایدن در مورد نقش آینده امریکا در افغانستان و چشم انداز صلح پس از دو دهه جنگ در این کشور تأثیر می گذارد.

سری ایالات متحده بود سازمان دهی کردند. «عملیات سایکلون» زمینه آموزش، تسلیح و تقویه مجاهدین افغان را برای جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۸۰ فراهم کرد. عناصر نیابتی امریکا در این جنگ غالب شدند. به این معنا که شورویها دریافتند که حضورشان در...

صحنه پایانی «جنگ چارلی ویلسون» صحنه‌ای پیش گوینه است. فیلم ماجرای یک نماینده جلف کنگره از تگزاس (با بازی تام هنکس) و یک مأمور سرکش سازمان سیا (با بازی فیلیپ سیمور هافمن) را به تصویر می کشد که آنچه را در آن زمان بزرگترین عملیات

تجزیه ۵

خشک سالی؛ «نگرانم امسال چگونه بگذرد»

«منتظر بودم، شاید امروز برف ببارد یا فردا. اما نیارید. زمستان خشک و سرد گذشت. نه برف بود و نه باران. امید هم که نیست. گرسنه بمانیم هیچ کس کمک نمی کند. نه دولت و نه نهادهای دیگر. نگرانم امسال چگونه بگذرد.» این گفته‌های شیرحسین است که خشکسالی سال...



۳

آتش سوزی در یک تانک تیل در کابل خسارات مالی بر جای گذاشت



۲

بند کمال خان؛ رویای فروش آب، آرزوی دشت‌های سبز

بند کمال خان، روی رودخانه هلمند در ولسوالی چهاربرجک ولایت نیمروز روز چهارشنبه، ۴ حمل به بهره برداری رسید. محمد اشرف غنی، رییس جمهوری افغانستان در مراسم افتتاح این بند شرکت کرد و گفت که رویایی ۷۰۰ سال برای تکمیل شدن بند کمال خان رنگ واقعیت به خود گرفته است. او اطمینان داده است که روند ساخت کانال‌های بند کمال خان نیز برای رشد اقتصاد و زراعت نیمروز تکمیل می شود.

بین افغانستان و ایران در سال ۱۳۵۱ معاهده برای استفاده از آب رودخانه هلمند به امضا رسید و مقام‌های افغان بر متعهد بودن بر اجرای این معاهده تأکید کرده‌اند. محمد اشرف غنی، رییس جمهوری افغانستان گفت که پس از این کلید رودخانه هلمند به دست...

۳

بسته های ویژه اینترنتی برای
بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌یادداشت‌روز

بایدن برای افغانستان است. در کل این ادعا یک تاکتیک سیاسی است. برگزاری انتخابات زودهنگام و با مدیریت حکومت غنی نه ممکن است و نه مطلوب. ممکن نیست، زیرا زمینه‌ی برگزاری تخنیکی که بتواند انتخابات شفاف را تضمین کند وجود ندارد. از نظر سیاسی نیز هرگز طالبان در انتخاباتی که مدیریت آن به‌دست حکومت غنی باشد، شرکت نمی‌کند. مطلوب نیست، زیرا برگزاری انتخابات غیرشفاف، به مشکلات سیاسی افغانستان می‌افزاید. اصولاً نهادهای انتخاباتی به‌دلیل ضعف و تیم حاکم در افغانستان اراده‌ی برگزاری انتخابات شفاف و مورد قبول برای همه‌ی طرف‌ها را ندارد. افتضاحی که دست‌کم دو انتخابات ریاست‌جمهوری و یک انتخابات پارلمانی به بار آورد، روشن می‌کند که برگزاری انتخابات عادی که به ثبات منجر شود در افغانستان ممکن نیست، چه رسد به این‌که انتخابات زودهنگام در یک مقطع حساس تاریخی برگزار شود. بنابراین وقتی انتخاباتی که به مشکلات سیاسی افغانستان بیفزاید و راه صلح را طولانی‌تر کند، مطلوب نیست.

اشرف غنی خودش نیز می‌داند که طرح انتخابات زودهنگام یک تاکتیک سیاسی است. به هیچ عنوان برگزاری چنین انتخاباتی از نظر فنی و سیاسی ممکن نیست. مطرح‌کردن چنین طرحی تنها راه صلح را طولانی‌تر می‌کند. امری که مطلوب غنی برای بودن چند صباح بیشتر در قدرت است. چنین طرحی یک مزیت دیگر هم برای رییس‌جمهور غنی دارد؛ او می‌خواهد نشان دهد که دل‌بسته‌ی قدرت نیست و واقعا باور به انتخابات به‌عنوان یک امر دموکراتیک دارد. مهم‌تر از این او می‌خواهد وانمود کند که مانع صلح نیست.

آقای غنی به انتخابات به‌عنوان یک امر دموکراتیک باور ندارد. آقای غنی در سال ۱۳۹۳، در پیامد یک انتخابات بسیار فاسد و پرتقلب به قدرت رسید. انتخابات پارلمانی با چند سال تأخیر در ۲۸ و ۲۹ میزان ۱۳۹۷، با اتهام گسترده‌ای مبنی بر تقلب، فساد مالی و دخالت حکومت در شمارش آرا و اعلام نتایج مواجه شد. افراد برجسته‌ای مثل امرالله صالح که حالا در قامت معاونت نخست آقای غنی ظاهر شده، ادعای فساد مالی، تقلب و «وکیل‌سازی» در بدل دریافت پول و فساد اخلاقی را به حلقه‌ی اول اطرفیان رییس‌جمهور غنی مطرح کردند. افتضاح انتخابات ریاست‌جمهوری ۶ میزان ۱۳۹۸ روی دو انتخابات بدنام دیگر را شست. با چنین کارنامه‌ای سیاه و غیرقابل دفاع که پیامد جز ضربه‌زدن به روح دموکراسی نداشته، بعید است که کسی باور کند که رییس‌جمهور غنی واقعا نگران انتقال دموکراتیک قدرت است. دور از انتظار است که کسی این رویکرد را غیر از دل‌بستگی به قدرت تفسیر کند. در شرایطی که امریکا تصمیم گرفته صلح افغانستان را به نتیجه برساند و بیش از هر زمان دیگری همگرایی منطقه‌ای در مورد روند صلح افغانستان شکل گرفته، پافشاری روی طرحی که در داخل و در بیرون طرفدار ندارد، ضیاع وقت و از دست‌رفتن زمان است. حتا شورای عالی مصالحه که براساس توافق سیاسی شریک ۵۰ درصدی حکومت است، با چنین طرحی همصدا نیست. بیشتر نیروهای سیاسی در داخل افغانستان با طرح دولت انتقالی صلح موافق‌اند و در حال حاضر همه بحث‌ها را روی نظام آینده متمرکز کرده‌اند. نفی امارت پیام روشن جامعه‌ی بین‌المللی به طالبان در نشست مسکو بود. مسئولیت اخلاقی نیروهای سیاسی و مدعیان جمهوری استفاده بهینه از این فرصت است.

اطلاعات روز: جو بایدن، رییس‌جمهور ایالات متحده‌ی امریکا گفته است که پابندی به مهلت تعیین‌شده برای خروج نیروهای این کشور از افغانستان «به دلایل فنی» «خیلی دشوار» است.

او این اظهارات را دو روز پیش (پنج‌شنبه، ۵ حمل) در نخستین نشست خبری خود پس از احراز کرسی ریاست‌جمهوری امریکا مطرح کرده است.

در هفته‌های اخیر اظهارات متفاوتی از سوی مقام‌های امریکایی و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در مورد سرنوشت نیروهای خارجی در افغانستان مطرح شده است.

ناتو خروج نیروها را وابسته به شرایط خوانده و امریکا بر خروج نیروها تأکید کرده، اما عملی‌سازی مهلت اول ماه می را در دشوار خوانده است.

چندی پیش، رییس‌جمهور امریکا از تمدید احتمالی مدت حضور نیروهای کشورش در افغانستان نیز سخن گفته بود، اما در عین حال گفته بود که اگر مدت حضور نیروها در افغانستان تمدید شود، «خیلی طولانی» نخواهد بود.

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا نیز روز سه‌شنبه (۳ حمل) در یک نشست خبری مشترک با ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو گفته بود که کشورش در مشورت و هماهنگی کامل با ناتو درباره‌ی آینده‌ی نیروهای خارجی در افغانستان تصمیم می‌گیرد.

آقای بلینکن همچنان گفته بود که امریکا و ناتو یکجا به افغانستان آمده و در زمان مناسب باهم از افغانستان خارج می‌شوند. به گفته‌ی او، امریکا با متحدان ناتو در تلاشند تا به جنگ افغانستان به‌گونه‌ی مسئولانه پایان داده شود.

دبیرکل ناتو نیز در این نشست خبری گفته بود که امریکا و ناتو در مورد خروج سربازان از افغانستان نیاز به مشورت نزدیک دارند.

از سوی هم، جو بایدن در نشست خبری دو روز پیش خود گفته است که کشورش قصد ندارد برای مدت طولانی در افغانستان بماند، اما خروج از افغانستان «منظم و مصون» خواهد بود.

آقای بایدن افزوده است که با متحدان امریکا که در افغانستان نیرو دارند، مشورد می‌کند.

خبرهای داخلی

جو بایدن:

خروج نیروهای امریکایی از افغانستان در اول ماه می «به دلایل فنی» دشوار است

نیروهای امنیتی و دفاعی افغان آموزش و مشوره می‌دهند.

گروه طالبان نسبت به نقض احتمالی این مهلت هشدار داده است. این گروه گفته است در صورتی که نیروهای خارجی در زمان تعیین‌شده افغانستان را ترک نکنند، حملات بر این نیروها را از سر خواهند گرفت.

واکنش طالبان

گروه طالبان اظهارات جو بایدن را مبهم خوانده و در عین حال از امریکا خواسته است که فرصت تاریخی پیش‌آمده را با مشوره‌ها و انگیزه‌های نادرست حلقات جنگ‌طلب از دست ندهد.

طالبان هشدار داده‌اند در صورتی که تمامی نیروهای خارجی مطابق پیمان دوحه در زمان تعیین‌شده از افغانستان بیرون نشوند، از نظر این گروه نقض پیمان از سوی امریکا پنداشته می‌شود.

طبق اعلامیه‌ی گروه طالبان، در صورت خارج نشدن نیروهای خارجی، جنگ‌جویان این گروه به مبارزه‌ی مسلحانه در برابر آنان ادامه خواهد داد.

آتش‌سوزی در یک تانک تیل در کابل خسارات مالی بر جای گذاشت

به گفته‌ی او، با رسیدن تیم‌های اطفائی،ه، از گسترش آتش به ذخیره‌گاه گاز و تیل جلوگیری شده است. او تأکید کرد که در این حادثه به کسی آسیب نرسیده، اما خسارات مالی به یک موتورفروشی و تانکر تیل وارد شده است.

این درحالی است که صبح دو روز پیش نیز آتش‌سوزی در یک باب سرای لیلایم‌فروشی در ساحه‌ی «ایستگاه مغازه» در مربوطات ناحیه‌ی سیزدهم شهر کابل رخ داد.

براساس معلومات پولیس کابل، در این حادثه نیز به کسی آسیب نرسیده، اما خسارات هنگفت مالی بر جای گذاشته است. دلیل وقوع این آتش‌سوزی هنوز مشخص نشده است.

آلمان مأموریت نظامی خود در افغانستان را برای یک سال دیگر تمدید کرد

طبق گزارش روزنامه گاردین که در ماه دلو سال گذشته منتشر شد، تنها شش نظامی نیوزیلندی در افغانستان حضور دارند که سه نفر آنان در آموزش سربازان افغان و باقی در مرکز فرماندهی ناتو در کابل مستقر هستند. به استثنای نیوزیلند، دیگر هیچ عضو سازمان ناتو به خروج نظامیان‌ش از افغانستان براساس مهلت اول ماه می اعلام آمادگی نکرده‌اند. حتی ایالات متحده‌ی امریکا که توافق‌نامه‌ی دوحه را با طالبان نهایی و امضا کرده است، خروج نیروها براساس مهلت تعیین‌شده را دشوار خوانده

اعضای ناتو است که مأموریت نظامی‌اش را در افغانستان تمدید کرده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، دولت آلمان اخطار داده است که خروج زودهنگام نیروهای ناتو از افغانستان می‌تواند مذاکرات صلح این کشور را به خطر بیندازد.

این درحالی است که براساس توافق‌نامه‌ی امریکا – طالبان، اول ماه می، آخرین مهلت حضور نیروهای خارجی در افغانستان تعیین شده است. تا کنون تنها نیوزیلند از خروج تمامی نظامیان‌ش از افغانستان تا ماه می خبر داده است.

اطلاعات روز: پارلمان آلمان طرح تازه‌ی دولت این کشور را که براساس آن مأموریت نظامیان آلمانی در افغانستان برای یک سال دیگر تمدید می‌شود، تصویب کرده است.

پارلمان آلمان این طرح را دو روز پیش (پنج‌شنبه، ۵ حمل) تصویب کرده است. این طرح به ارتش آلمان اجازه می‌دهد که ۱۳۰۰ سرباز خود را به‌عنوان بخشی از مأموریت ناتو تا ۳۱ جنوری ۲۰۲۲ در افغانستان حفظ کند. مأموریت کنونی نظامیان آلمانی در افغانستان قرار بود در ۳۱ ماه جاری میلادی (مارچ) پایان یابد. آلمان تا کنون تنها کشوری از

پولیس فاریاب یک کودک هفت‌ساله را از چنگ آدم‌ربایان نجات داد

امریکایی مطالبه کرده بودند.

سخن‌گوی فرماندهی پولیس فاریاب می‌افزاید که در نتیجه‌ی تلاش منسوبین پولیس ملی ولسوالی‌های چهارگانه‌ی اندخوی و افراز چک‌پاینت‌ها و انسداد راه‌های خروجی، ربایندگان موفق نشده‌اند که کودک را از ساحه خارج کنند.

عبدالکریم یورش گفته است که ربایندگان این کودک را در نزدیک بازار ولسوالی قرغان رها کرده و خودشان از ساحه فرار کرده‌اند. او تأکید کرده است که قضیه زیر بررسی جدی پولیس قرار دارد.

گروگان‌گیری غیرنظامیان در جلریز؛

نُه نفر رها شده و نه نفر دیگر هنوز هم نزد طالبان گروگان‌اند

ولسوال جلریز نیز می‌گوید که بیشتر ساکنان ولسوالی جلریز از حکومت حمایت می‌کنند و به همین دلیل، طالبان به‌زور از آنان می‌خواهند که به جای حکومت، از طالبان حمایت کنند. به گفته‌ی سروری، گروگان‌گیری غیرنظامیان از سوی طالبان نیز به همین هدف انجام می‌شود. با این حال، مهدی راسخ از حکومت خواسته است که قطعات اضافه نیروهای امنیتی را از ولسوالی حصه‌ی اول بهسود به‌خاطر بازپس‌گیری ولسوالی دایمرداد، تصفیه‌ی شماره «مرگ» جلریز و آزادسازی ولسوالی جلریز از محاصره‌ی طالبان، سوق بدهد. گروه طالبان هنوز در این مورد چیزی نگفته است.

تلاش‌ها از طریق بزرگان قومی برای رهایی آنان از نزد طالبان جریان دارد.

در همین حال، محمدمهدی راسخ، نماینده‌ی مردم میدان‌وردک در مجلس نمایندگان در صفحه‌ی رسمی فیس‌بوک خود نوشته است که در حال حاضر ۱۴ غیرنظامی در ولسوالی جلریز این ولایت نزد گروه طالبان گروگان‌اند. آقای راسخ نوشته است که ۱۲ نفر این غیرنظامیان حدود ده روز پیش روده شده و دو نفر دیگر نیز که ساکنان ولسوالی بهسود اند، به تازگی از سوی طالبان روده شده‌اند. راسخ تأکید کرده است که طالبان این غیرنظامیان را به دلیل حمایت از حکومت روده‌اند، اما حکومت برای رهایی آنان هیچ اقدامی نکرده است.

برعکس توسط طالبان روده شده‌اند.

سروری اکنون می‌گوید که در نتیجه‌ی تلاش‌های اداره‌ی ولسوالی در همکاری نزدیک با متنفذان قومی، از مجموع این افراد، نُه نفرشان رها شده‌اند. به گفته‌ی او، افراد رهاشده، افراد مُسن و یا کودکان‌اند.

از سوی هم، اباسین سروری گفت که طالبان به تازگی دو غیرنظامی دیگر را از ساحه‌ی «تکانه»ی ولسوالی جلریز روده‌اند. به گفته‌ی آقای سروری، معلومات ابتدایی نشان می‌دهد که یکی از افراد روده‌شده ساکن ولسوالی بهسود و دیگری از ولایت غزنی بوده است. ولسوال جلریز تأکید کرد که در حال حاضر نُه غیرنظامی از نزد گروه طالبان در ولسوالی جلریز گروگان‌اند. طبق اظهارات او،

اطلاعات روز: مقام‌های محلی در ولایت میدان‌وردک می‌گویند که طالبان نُه غیرنظامی روده‌شده را رها کرده‌اند، اما هفت غیرنظامی دیگر هنوز هم در نزد این گروه گروگان‌اند.

اباسین سروری، ولسوال ولسوالی جلریز ولایت میدان‌وردک دیروز (جمعه، ۶ حمل) به روزنامه اطلاعات روز گفت که طالبان به تاریخ ۲۳ حوت سال گذشته ۱۶ غیرنظامی را از ساحه‌ی «زیولات» ولسوالی جلریز روده بودند.

آقای سروری قبلا نیز به روزنامه اطلاعات روز گفته بود که افراد روده‌شده تاجیک‌تبار‌اند و در هنگام رفت‌وبرگشت از ولسوالی جلریز به کابل و میدان‌شهر، مرکز میدان‌وردک و

بند کمال خان؛

رویای فروش آب، آرزوی دشت‌های سبز



گل‌احمد نورزاد، نماینده نیمروز در پارلمان در گفت‌وگو با اطلاعات روز از حکومت می‌خواهد که تدابیر جدی برای محافظت از بند کمال‌خان روی دست بگیرد: «تمام تأسیسات ملی زیر تهدید دشمنان قرار داشته است. ما امیدواریم که تدابیر امنیتی خوبی برای بند کمال روی دست بگیرد تا از این پروژه حفاظت کنیم.»

واجد روحانی - هرات

بند کمال‌خان، روی رودخانه هلمند در ولسوالی چهاربرجک ولایت نیمروز روز چهارشنبه، ۴ حمل به بهره‌برداری رسید. محمدشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان در مراسم افتتاح این بند شرکت کرد و گفت که رویایی ۷۰۰ سال برای تکمیل شدن بند کمال‌خان رنگ واقعیت به خود گرفته است. او اطمینان داده است که روند ساخت کانال‌های بند کمال‌خان نیز برای رشد اقتصاد و زراعت نیمروز تکمیل می‌شود. بین افغانستان و ایران در سال ۱۳۵۱ معاهده برای استفاده از آب رودخانه هلمند به امضا رسید و مقام‌های افغان بر متعهد بودن بر اجرای این معاهده تأکید کرده‌اند. محمدشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان گفت که پس از این کلید رودخانه هلمند به دست افغان‌ها است و آب بیشتر از تعهد معاهده

۱۳۵۱، نیاز به مذاکره با ایران دارد: «مشکل در معاهده هلمند نبود، بلکه مشکل در تطبیق این معاهده بوده است. آب را به کسی مفت نمی‌دهیم و پیداوار نیمروز را به ایران با افتخار می‌فروشیم. با ایران تعهد معاهده هلمند را اجرا می‌کنیم و بیشتر از تعهد باید مذاکره صورت بگیرد، تیل بدهید و آب بگیرید.» او از تداوم مذاکره با کشور ایران خبر داد که نیمروز نه تنها کندی افغانستان، بل کندی ایران هم باشد: «اقتصاد ایران و افغانستان متمم یکدیگر است و مخالف یکدیگر نیست. پیداوار نیمروز را با افتخار به ایران می‌فروشیم.»

زمربالی احدی، والی نیمروز امیدوار است که با استفاده از آب بند کمال‌خان، اقتصاد و زراعت این مردم متحول شود. او تأکید دارد که باید آب به‌گونه‌ای درست مدیریت شود: «افتتاح بند کمال‌خان پرافتخارترین لحظه زندگی من است. این بند پروژه‌ی تاریخی و مهم است و دشت‌های نیمروز را سیراب می‌کند.»

بازمحمد ناصر، رئیس شورای ولایتی نیمروز از حکومت می‌خواهد که آب شیرین به کشورهای همسایه به‌گونه‌ای رایگان قطع شود و هر لیتر آب به این کشورها بفروشند. مسئولان در اداره امور تنظیم آب به روزنامه اطلاعات روز می‌گویند که بند کمال‌خان به هزینه‌ی بیش از ۲۰۰ میلیون دالر امریکایی از بودجه حکومت افغانستان تکمیل شده است. به روایت باشندگان نیمروز طی سال ۷۶۲ هجری شمسی با هجوم تیمور و متعاقباً ۳۰ سال

بعد پسرش شاهرخ بند کمال‌خان و کانال‌های آن توسط دستگاه و اسبدهای پیشرفته از بین برده شده است.

پس از تخریب بند کمال‌خان هفت قرن نیمروز در تشنگی مفرط به سر می‌برد و تا این‌که سردار محمدداوود خان، رئیس‌جمهور پیشین افغانستان و محمدموسا شفیق، نخست‌وزیر وقت کار بند کمال‌خان در سال ۱۳۴۵ آغاز شد. اما انقلاب کمونیستی کار ساخت این بند را متوقف کرد و جنگ داخلی در افغانستان شعله‌ور شد.

شتاب در ساخت بندهای آبی

حکومت افغانستان مرحله نخست کار ساخت بندکمال‌خان را در ماه اسد سال ۱۳۹۱، مرحله دوم میزان سال ۱۳۹۴ و مرحله سوم ماه حمل ۱۳۹۶ آغاز شد. این بند در فاصله ۱۸ کیلومتری شمال ولسوالی چهاربرجک و در ۹۵ کیلومتری جنوب شهر زرنج مرکز ولایت نیمروز موقعیت دارد.

بر بنیاد اطلاعات اداره امور تنظیم آب کشور بند کمال‌خان، صدها سال پیش توسط یک فرد به‌نام «کمال‌خان» آغاز شد، اما کارش تکمیل نشد.

مسئولان در اداره امور تنظیم آب به اطلاعات روز می‌گویند که هم اکنون کار ۱۲ بند بزرگ آبی اکجکی، کمال‌خان، شاه و عروس، پاشدان، بخش‌آباد، مجلفو، دهنه دره، ۲ خان‌آباد، توری، پلوتونی، شفلوغ، سراب... جریان دارد و به‌زودی بندهای آبی شاه و عروس و شورابک تکمیل

می‌شود.

محمد تکل، رییس عمومی این اداره می‌گوید که به‌زودی کار سروی و دیزاین ۲۲ بند دیگر تکمیل و کار ساخت آن سال آینده آغاز می‌شود.

آرزوی دشت‌های سبز

دشت‌های و زمین‌های نیمروز خشک و سوزان است و هرازگاهی سرازیر شدن سیلاب‌ها مزارع زراعتی را به خاک یکسان می‌کند. دهقانان در نیمروز با کمبود شدید آب مواجه بودند و سطح حاصلات زمین‌های‌شان در پایین‌ترین سطح ممکن بود.

غلام‌محمد، ۴۵ سال دارد و یکی از مالکان ۵۰ جریب زمین در ولسوالی چهاربرجک است. او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، افتتاح بند کمال‌خان را گام مهم در بخش افزایش محصولات زراعتی خود می‌داند: «در نیمروز همیشه باد است و باد و کمبود آب همیشه حاصلات ما را خراب می‌کرد. همیشه هم که سیلاب می‌آمد، زمین‌های زراعتی خراب می‌شد.»

او از حکومت می‌خواهد که در راستای ساخت کانال‌های آب بند کمال‌خان گام‌های جدی بردارد، تا آب به‌گونه‌ی منظم به زمین‌های زراعتی سرازیر شود.

بهرام محمدی، ساکن ولسوالی کنگ نیمروز است. او ۴۰ جریب زمین تحت کشت گندم در این ولسوالی دارد، اما همیشه سطح حاصلات زمین‌هایش پایین بود: «ما خیلی خوشحالیم که بند کمال‌خان، رویای بزرگ ما به بهره‌برداری رسید. حالا از بند کمال‌خان زمین‌های زراعتی ما آبیاری می‌شود.»

با آغاز آب‌گیری بند کمال‌خان زمینه به مهاجرت

گونه‌های مختلف پرندگان به شمول «لک‌لک»

به این بند فراهم شده است.

محمدشرف غنی، رئیس‌جمهوری کشور مدیریت آب در نیمروز را زمینه‌ساز احیای جنگلات و جلوگیری از وزش ریگ‌بادهای «بند کمال‌خان برای احیای زیست‌گاه حیوانات موثر است. ساکنان سیستان قدیم برای هزار سال در بخش مدیریت آب کار کرده‌اند. سیستم‌های احیای جنگلات نمی‌شود.»

او می‌گوید که برای کاهش ضایعات آب باید سیستم آبیاری قطره‌ای در نیمروز مورد استفاده قرار بگیرد. او پیشنهاد می‌کند که مرکز تحقیقات زراعتی و آبیاری در نزدیکی بند کمال‌خان تکمیل شود، تا آب، وزش ریگ‌ها و احیای جنگلات مدیریت شود.

محمدشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان مدالی تحت عنوان موسا شفیق، نخست‌وزیر پیشین کشور ضرب زده است و قرار است که این مدال به افرادی که در بخش مدیریت آب کار می‌کنند، توفیق شود.

حکومت افغانستان بر مدیریت و مهار آب‌های جاری تأکید می‌کند. بند سلما در هرات

بخش‌آباد در فراه و کمال‌خان در نیمروز از مهم‌ترین پروژه‌های مدیریت آب در نزدیکی مرز با ایران است. بند سلما و کمال‌خان به بهره‌برداری رسیده و کار بند بخش‌آباد نیز جریان دارد. با پیشرفت در روند ساخت بندهای آب، تهدیدهای امنیتی در اطراف این بندها افزایش یافته است.

گل‌احمد نورزاد، نماینده نیمروز در پارلمان در گفت‌وگو با اطلاعات روز از حکومت می‌خواهد که تدابیر جدی برای محافظت از بند کمال‌خان روی دست بگیرد: «تمام تأسیسات ملی زیر تهدید دشمنان قرار داشته است. ما امیدواریم که تدابیر امنیتی خوبی برای بند کمال روی دست بگیرد تا از این پروژه حفاظت کنیم.»

در ماه عقرب سال ۹۹ شش محافظ بند کمال‌خان کشته و دو تن دیگر زخمی شدند. پس از کشته‌شدن این شمار از نیروهای محافظت عامه، تدابیر امنیتی در اطراف این بند شدیدتر شد.

اما بازمحمد ناصر، رییس شورای ولایتی

نیمروز اطمینان می‌دهد که باشندگان نیمروز برای محافظت از بند کمال‌خان از جان خود تیر هستند، اما اجازه نمی‌دهند که کشورهای همسایه مشکل در این بند ایجاد نکنند: «ما برای ساخت بند کمال‌خان شهید و زخمی دادیم و مردم نیمروز وعده می‌دهند که برای محافظت این بند همچنان قربانی می‌دهند.»

از سوی هم، محمدشرف غنی، رئیس‌جمهوری کشور می‌گوید که باید تمام مردم و نیروهای امنیتی برای دفاع از بند کمال‌خان تلاش کنند: «اولین تشکری من از شهدای بند کمال‌خان است که به قیمت زندگی خود از این بند حفاظت کردند.»

وزارت داخله اعلام کرد که طی دو سال گذشته ۳۵ حمله «تروریستی» بالای بند کمال‌خان ولایت نیمروز صورت گرفته است.

طارق آرین، سخن‌گوی این وزارت می‌گوید که در نتیجه این حملات، ۳۹ نیروی امنیتی کشته و زخمی شدند و ۲۸ طالب نیز اسیر شده‌اند: «چهار حلقه ماین، ۹۸ مورد حمله تروریستی بالای بند کمال‌خان خنثا شده است.»

رئیس‌جمهور می‌گوید که بر بنیاد مطالعات مقدماتی افغانستان دست‌کم ۷۰ هزار میگوات برق بادی و ظرفیت بلند تولید برق آفتابی دارد و هم‌اکنون با شرکت‌های «ریمس» و «فورتسکیو» کار برای استفاده از انرژی بادی و آفتابی جریان دارد. او از ایران می‌خواهد که در آینده برای فروش برق افغانستان به کشورهای منطقه همکاری کند. او اطمینان می‌دهد که نیمروز به مرکز انرژی برقی و تجارت مبدل می‌شود و این بتانسبل با استفاده از انرژی بادی و بندر چاپهار وجود دارد: «زرنج به بندر بین‌المللی تبدیل می‌شود و کلیدش چاپهار است و همچنان خط آهن خواف - هرات، قدم اول وصل هرات به استانبول است. این خط آهن دونیم برابر ارزان‌تر از کراچی است.»

تحلیل

رسانه‌ها در حد یک خبر انعکاس می‌یابد و رسانه‌ها فقط به این بسنده می‌کند که عدم حضور زنان در مذاکرات صلح، که بخشی از همین نسل‌اند، در شبکه‌های اجتماعی خبرساز شد! پیام عملی این خبر این است که در عمل، تغییری به وجود نمی‌آید و حوزه‌ی فعالیت این نسل در محدوده‌ی فضای مجازی است.

از یک جهت اگر بخوایم بررسی کنیم بازنده‌ی اصلی در مذاکرات صلح، همین نسل چهاردهمی اخیر اند. نسلی که در سایه‌ی جنگ، فقر، حاکمیت طالبان دهه‌ی هفتاد خورشیدی زنده ماند و یک مرحله در پرتو ارزش‌های دموکراتیک، ولو هم نسبی، رشد نمود. اما حالا در برهه‌ای که برای یک مرحله‌ی بعدی باید تصمیم گرفته شود این نسل از نظر غایب‌اند و در چنین غیبت هول‌انگیزی، فقط کنایه می‌گویند.

نسلی که در طول بیست‌سال، رهبران و احزاب سیاسی را نقد و حتا نفی می‌کرد در دوران شش‌سال حکومت آقای غنی، با سرکوب‌های خشن و نفی سیستماتیک روبه‌رو شد. این نسل اصلاً تصور نمی‌کرد که طالبان دوباره به قدرت برگردد، آن‌هم با میانجی‌گری امریکا و قدرت‌های غربی که در طول این بیست‌سال، حامی آزادی‌های مدنی بود و همین نسل خوش‌بین به حضور جهان غرب در کشور، حالا گروه‌های فوق‌الذکر، دور هم می‌نشینند، قهوه می‌نوشند و نماز جماعت می‌خوانند اما این نسل، گنج و متحیر است که مأموم نماز جماعت باشد یا کافه‌نشین قهوه‌خانه‌های کابل! تنها چیزی که تا هنوز در اختیارش هست، گوش‌ی هوشمندش هست و فضای مجازی.

که در طول این بیست‌سال از نفوذ رهبران سیاسی بین مردم کاسته شد اما این سست‌شدن پایگاه مردمی رهبران سیاسی به معنای آن نیست که مردم به‌جای این رهبران به کسانی دیگری اقتدا کردند. بلکه در عوض، حالت رخوت و بی‌تفاوتی بر روحیه‌ی مردم حاکم گردید.

فراوش نکنیم که در طرف دیگر قضیه، طالبان از میان همین نسل - البته بی‌سواد - نیروی جنگی‌شان را فراهم می‌کردند/می‌کنند. با یادآوری نکات فوق، اگر دوباره این پرسش را مطرح کنیم که آیا تیم ارگ، رهبران سیاسی و طالبان در مذاکرات صلح از نسل پساچهل‌سال نمایندگی می‌توانند؟ می‌بینیم که این بار پاسخ قطعی‌ای «نه» یا «آری»، دشوار می‌شود. حتا ممکن به این نتیجه برسیم که هم «نه» و هم «آری».

اگر بگوییم این سه طرف مذاکره از این نسل نمایندگی می‌کنند پس نقد و حتا نفی کارنامه‌ی سیاسی این سه گروه و دادخواهی برای شریک‌ساختن نسلی که در غیبت‌اند و از پشت پرده‌ی غیبت کنایه می‌گویند بی‌مفهوم و بلاموضوع می‌شوند. اگر بگوییم که این سه گروه نماینده‌ی نسل چهاردهمی اخیر نیستند پس کی‌کی‌ها نماینده‌ی این نسل‌اند و چه شد که پس از بیست‌سال زمینه‌ی تبارز و نقش‌آفرینی‌ای امروز این نسل در حاشیه‌ی همه موارد و تصمیم‌گیری‌هایی اند که این تصمیم‌ها بیش‌ترین تأثیر را روی سرنوشت همین نسل دارد تا تصمیم‌گیرنده‌های اصلی. چرا انتقاد این نسل از این‌که حضور در تصمیم‌گیری‌ها ندارند در

را در انحصاری‌بودن قدرت و موروثی‌سازی آن از طرف حکومت، رهبران سیاسی و چهره‌های قومی می‌دانند. البته این سخن درست و بجاست و بخشی از واقعیت تلخ سیاست‌ورزی در افغانستان پساطالبان را تشکیل می‌دهد. اما اگر با نگاهی معطوف به قدرت به موضوع بنگریم و همین پرسش را از خود این نسل نماییم که اگر آن‌ها در قدرت و تصمیم‌گیری‌ها می‌بودند، آیا فرصت را برای کسانی غیر از خودشان فراهم می‌کرد یا خیر؟ می‌بینیم که در این‌صورت، وضعیت فرق می‌کند و تجربه‌ی کسانی که از همین نسل، در بخش‌هایی از قدرت، صلاحیت داشته‌اند عکس قضیه را نشان می‌دهد. این‌گونه هم نبوده که نسل پساچهل‌سال، هیچ سهمی در قدرت نداشته است. تعداد زیادی از همین نسل، وقتی به چوکی‌ای رسیده‌اند، به‌جای آوردن اصلاحات در حوزه‌ی صلاحیت خویش، پیش‌مرگ‌های اصلی در فضای مجازی و رسانه‌ها در دفاع از انحصارگران قدرت سیاسی بوده‌اند. در طول بیست‌سال پسین به میزانی که نسل جوان، استبداد سیاسی را توجیه و قیاحت‌زدایی نمودند نسل پساچهل‌سال این کار را نکردند و نتوانستند. در تشهیر استبداد، همین نسل پساطالبانی سنگ تمام گذاشتند.

در کنار آن، نسل پساچهل‌سال در ساختن منابع قدرت‌ساز از جمله تشکیل احزاب سیاسی و نفوذ در میان مردم ناموفق بوده است. این نسل از یک‌سو منتقد احزاب سیاسی گذشته‌اند اما از طرف دیگر، خودشان در طول بیست‌سال نتوانستند که بدیل این احزاب را داخل حوزه‌ی سیاست‌ورزی کند. همچنان، درست است

کنایه در غیبت

محمد موسا شفیق

در مذاکرات صلح بین حکومت و طالبان، نقش نسل پساچهل‌سال، اغلب تحصیل‌کرده، و به‌ویژه نسل پساطالبانی غایب است. طرف‌های داخلی مذاکره‌کننده در سه کتگوری قابل جمع‌اند: تیم ارگ به رهبری آقای غنی، رهبران احزاب سیاسی در قالب شورای عالی مصالحه به رهبری آقای عبدالله عبدالله و گروه طالبان. پرسش این است که آیا هر کدام از این‌ها یا مجموع این سه گروه، نمایندگی از نسل چهاردهمی اخیر - چه زنان و مردان - می‌توانند؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش چندان ساده نیست و به ملاحظات و اما و اگرهایی زیادی بستگی دارد.

در بیست‌سال پسین، بنابه شرایط پیش‌آمده‌ی داخلی و اقتضانات جهانی، فرصت برای تحصیل و نقش‌آفرینی به‌گونه‌ی بی‌نظیری برای نسل جوان کشور آماده شد. با توجه به چنین شرایطی، این نسل در دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، نهادهای مدنی و در سطوح متوسط قدرت سیاسی و اداری کشور نقش فعال بازی کردند. البته این نقش‌آفرینی‌ها به‌بیش‌تر تکنیکی بود تا سرنوشت‌ساز. این نسل، از جمله در فضای مجازی، رهبران سیاسی و حکومت افغانستان را با واقعیت جدید و اهرم فشار کاملاً نو روبه‌رو نمود. اما در حوزه‌ی قدرت‌سازی و تصمیم‌گیری، موفقیت چندان‌ی نداشت. خود این نسل، علت اصلی این عدم موفقیت در حوزه‌ی سیاست‌ورزی



رابین رایب، نیویورکر
مترجم: جلیل پژواک

صحنه‌ی پایانی «جنگ چارلی ویلسون» صحنه‌ای پیش‌گویانه است. فیلم ماجرای یک نماینده جلف کنگره از تگزاس (با بازی تام هنکس) و یک مأمور سرکش سازمان سیا (با بازی فیلیپ سیمور هافمن) را به تصویر می‌کشد که آنچه را در آن زمان بزرگ‌ترین عملیات سِری ایالات متحده بود سازمان‌دهی کردند. «عملیات سایکلون» زمینه آموزش، تسلیح و تقویه مجاهدین افغان را برای جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۸۰ فراهم کرد. عناصر نیابتی آمریکا در این جنگ غالب شدند. به این معنا که شوروی‌ها دریافتند که حضورشان در افغانستان برای یک دهه از نظر مالی، سیاسی و نظامی بسیار گران تمام شده است و نمی‌توانند به اهداف خود برسند. گفته می‌شود که رهبر وقت شوروی میخائیل گورباچف در سال ۱۹۸۶ به دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی می‌گوید: «قرار است تا ابد در آنجا بمانیم؟... یا باید به این جنگ پایان دهیم؟ در غیر آن ما از هر نظر خود را رسوا می‌کنیم.» شوروی در سال ۱۹۸۹ پس از از دست دادن ۱۴ هزار سرباز و مصرف دست‌کم پنجاه میلیارد دلار، از افغانستان عقب‌نشینی کرد. شوروی فقط می‌خواست از یک جنگ پدنام خارج شود. پس از خروج شوروی، افغانستان خیلی زود وارد جنگ داخلی شد که در آن جنگ سالاران رقیب در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. جنگ داخلی افغانستان ادامه یافت تا این‌که در سال ۱۹۹۶ جنبش طالبان قدرت را به دست گرفت. طالبان قوانین سخت‌گیرانه اسلامی را وضع کردند و سایر گروه‌های جهادی همچون القاعده را در افغانستان پناه دادند. پس از حملات القاعده در سال ۲۰۰۱، نیروهای ایالات متحده به متحدان افغان خود کمک کردند تا طالبان را سرنگون کنند. پس از سقوط طالبان، حکومت جدید مورد حمایت ایالات متحده در کابل روی کار آمد.

دو دهه از آن‌زمان گذشته است. جو بایدن اکنون با یک انتخاب دلپره‌آور روبه‌روست؛ این‌که آیا آخرین سربازان آمریکایی را تا اول ماه می از افغانستان خارج کند یا خیر. مهلت یکم ماه می بخشی از توافق‌نامه‌ای است که یک سال پیش حکومت پیشین ایالات متحده با طالبان به امضا رساند. بایدن همانند گورباچف به وضوح طرف‌دار خروج از افغانستان است. در واقع او از یک دهه پیش طرف‌دار خروج بوده است. بایدن در سال ۲۰۱۰ زمانی که معاون رییس‌جمهور اوباما بود، وعده‌ی خروج داد. او در مصاحبه با ان‌بی‌سی گفت: «ما روند خروج را در جولای ۲۰۱۱ آغاز می‌کنیم و تا سال ۲۰۱۴، حتی اگر از آسمان سنگ ببارد، از آن‌جا خارج می‌شویم.» همچنین سال گذشته او در مقاله‌ای برای فارن افرز نوشت: «باید خیلی وقت پیش به جنگ‌های ابدی پایان می‌دادیم.» نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها نسبت به خروج از افغانستان عمدتاً مردد و یا هم به کلی به مسأله افغانستان بی‌علاقه هستند. حدود بیست تا سی درصد پاسخ‌دهندگان در نظرسنجی‌های اخیر حتی به خودشان زحمت نداده‌اند درباره‌ی خروج نظر دهند. خشم ملی که از زخم ناشی از حملات ۱۱ سپتامبر در جامعه‌ی آمریکا برانگیخته شده بود، اکنون بخار شده است.

با این‌حال ترک افغانستان خیلی آسان نیست. ایالات متحده پس از سرمایه‌گذاری بیش از یک تریلیون دلار نتوانسته است به اهداف طولانی‌ترین جنگ خود در این کشور دست یابد. هموار کردن مسیر خروج از افغانستان به ویژه از طریق دست‌یابی به توافق صلح جامع نیز معلوم شده که دشوار و بالقوه خطرناک است. هفته گذشته بایدن

در مصاحبه با ای‌بی‌سی نیوز اعتراف کرد که خروج از افغانستان ممکن است کار «سخت»ی باشد. نه بایدن و نه هم ارتش آمریکا، که تعداد نیروهایش را از ۱۵ هزار در هنگام امضای توافق‌نامه صلح با طالبان حدود یک سال پیش، به حدود ۳ هزار سرباز در حال حاضر کاهش داده است، انتخاب‌های آسانی در خصوص افغانستان در پیش ندارند. اگر سربازان باقی‌مانده آمریکا از افغانستان خارج شوند، حدود ۱۰ هزار سرباز ناتو از ۳۶ کشور و بیش از ۲۴ هزار پیمان‌کار که از دولت و ارتش افغانستان پشتیبانی می‌کنند، نیز قطعاً این کشور را ترک خواهند کرد.

در یک روز بارانی ماه مارچ در کابل مقر نظامی نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان حس یک مکان ترس‌آور را داشت. در کابل مجبورید از فرودگاه تا پایگاه مجاور با هلی‌کوپتر رفت‌وآمد کنید زیرا گشت‌وگذار با موتر امن نیست. مقر نظامی نیروهای آمریکایی و ناتو را لایه‌های ضخیم دیوارهای ضدانفجاری سیم خاردار-دار احاطه کرده است. بر روی موانع بتنی نقاشی‌های دیواری از خاطر‌پاک‌نشده‌ی از جمله نقاشی دیواری بزرگی از یک زن با لباس یونیفورم با عنوان «پولیس زن افغانستان، نیرویی برای خدمت» نقش بسته است. در این ۲۰ سال جنگ بیش از ۱۰۰ هزار افغان، ۲۳۰۰ آمریکایی و صدها سرباز از کشورهای عضو ناتو در افغانستان کشته شده‌اند. حدود ۲۰ هزار آمریکایی دیگر نیز زخم برداشته‌اند.

مقامات برحال و پیشین آمریکایی در مصاحبه با من در ایالات متحده و نیز در جریان اقامتم در افغانستان گفتند که پنج عامل بر تصمیم بایدن در خصوص افغانستان تأثیر خواهد گذاشت. عامل اول این است که آیا دیپلماسی آشفته دقیقه‌نود واشنگتن از فروپاشی روند مذاکرات صلح بین حکومت افغانستان و طالبان جلوگیری خواهد کرد یا خیر. با نزدیک‌شدن مهلت خروج کامل ایالات متحده از افغانستان، حکومت بایدن در حال زدن خاک خشک به دیوار دیپلماتیک است تا ببیند که آیا چیزی به دیوار می‌چسبد یا خیر. اوایل ماه جاری، وزیر امور خارجه آنتونی بلینکن در نامه‌ای با لحن غیرمتعارف خطاب به رییس‌جمهور اشراف‌غنی نوشت که غنی «فوریت لحن» وی را درک کند و از خود «رهبری مبرم» نشان دهد. گفت‌وگوهای صلح به میزبانی قطر که در ماه سپتامبر سال گذشته در نتیجه توافق ایالات متحده و طالبان آغاز شد، به بن‌بست خورده است. بلینکن در یک بسته پیشنهادی جدید، تشکیل دولت انتقالی را که در آن طالبان و رهبران فعلی افغانستان شریک قدرت باشند، پیشنهاد کرده است. این پیشنهادها بیشتر شبیه یک اولتیماتوم است تا یک طرح پیشنهادی.

همچنین ایالات متحده با دخیل کردن مجدد قدرت‌های منطقه‌ای (چین، پاکستان، ایران، هند، ترکیه و در آنچه آبرونی بزرگ تاریخ به نظر می‌رسد، روسیه) در مسأله صلح افغانستان تلاش کرده است دیپلماسی خود را برای یافتن راه‌حلی واحد گسترده‌تر سازد. هفته گذشته روسیه میزبان مذاکرات صلح بین طرف‌های درگیر جنگ افغانستان بود که اظهارات بلند اما مبهم درباره تسریع روند مذاکرات داشتند. اوایل ماه اپریل، قرار است ترکیه نشست‌ای را با هدف نهایی کردن توافق‌نامه صلح افغانستان برگزار کند که ممکن است چند روز طول بکشد. اما اشکای واشنگتن به سایر ملت‌ها نتایج آشفته داشته است. دهه‌ها فشار آمریکا بر پاکستان برای متوقف کردن میزبانی و حمایت تسلیحاتی اسلام‌آباد از پاکستان، ناکام مانده است. هر کشوری متحدان، منافع و آجندای خاص خود را دارد.

اختلاف‌ها بین طرف‌های افغان درگیر این جنگ به قدری عمیق است که بسیاری از مقامات و کارشناسان آمریکایی نگرانند که دست‌یابی به یک توافق با توجه به

این که زمان اندکی باقی مانده است، یا ناممکن باشد یا در صورت دست‌یابی، در بلندمدت غیرقابل اجرا باشد. دو طرف درگیر این جنگ مخالفان ایدئولوژیک یکدیگرند: حکومت افغانستان اصرار دارد که این کشور تحت چتر دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی باقی بماند. طالبان خواهان بازگشت شریعت و امارت اسلامی هستند. مقامات ارشد ایالات متحده مطمئن نیستند که طالبان حتا اجازه‌ی برگزاری انتخابات عادلانه و آزاد را بدهند. طالبان همچنین خواستار آزادی بیش از ۷ هزار شورشی زندانی این گروه، به‌عنوان پیش‌شرط توافق صلح با حکومت شده‌اند. برآورده کردن این خواسته برای حکومت افغانستان دشوار است. ماه اگست سال گذشته، حکومت افغانستان ۵ هزار شورشی عضو طالبان را برای کمک به آغاز مذاکرات از زندان آزاد کرد، اما این اقدام روند صلح را به جایی نرساند. آزادی این ۵ هزار طالب فقط باعث تقویت صفوف طالبان و تشدید حملات این گروه شد. این درحالی‌ست که حکومت افغانستان شکننده، فاسد، به‌شدت چندپارچه و از اهرم فشار محدودی برخوردار است. یک کارشناس باسابقه آمریکایی می‌گوید توقع این‌که نشست استانبول به توافق پایدار منجر شود، «توهم» است. او می‌گوید: «ما نتوانستیم طالبان را وادار به سازش بر سر چیزی کنیم.» غنی نیز نقشه‌های خودش را دارد. خبرگزاری رویترز روز سه‌شنبه هفته گذشته گزارش داد که رییس‌جمهور غنی قصد دارد در نشست استانبول پیشنهاد ایالات متحده برای تشکیل دولت انتقالی و تشریک قدرت را رد کند و به‌جای آن خواستار برگزاری انتخابات سرتاسری طی شش ماه آینده شود. امکان سازش دست‌نیافتنی‌تر از هر زمان دیگری به‌نظر می‌رسد.

عامل دوم که بایدن باید در نظر بگیرد این است که چگونه یک آتش‌بس پایدار در افغانستان اجرایی شود. بلینکن در نامه خود پیشنهاد کرده که برای جلوگیری از حملات تهاجمی بهاری طالبان، یک دوره نود روزه کاهش خشونت در افغانستان آغاز شود. جنرال آستین میلر، که یکی از اولین

سربازان آمریکایی بود که پس از حملات ۱۱ سپتامبر به افغانستان اعزام شدند، اکنون فرماندهی نیروهای ایالات متحده و ناتو را در این کشور برعهده دارد. او در کابل به من گفت که جنگ بین نیروهای دولتی و طالبان پس از امضای توافق‌نامه صلح بین دولت ترمپ و طالبان در ماه فبروری سال گذشته در دوحه، مرگ‌بارتر شده است. او گفت: «از نظر نظامی [طالبان] بدون شک از توافق‌نامه و امتیازات توافق بهره برده و پیش‌روی و دست‌درازی می‌کنند.» طالبان به دستاوردهای ارضی چشم‌گیری دست یافته‌اند. پنتاگون برآورد می‌کند که طالبان اکنون نیمی از خاک افغانستان را که کمی کوچک‌تر از تگزاس است، کنترل می‌کنند. پنتاگون این ادعای طالبان را که می‌گویند هفتاد درصد خاک افغانستان را تحت کنترل دارند، رد می‌کند. تاکتیک‌های جنگی طالبان نیز خشن‌تر و بر ترورهای هدفمند اعضای جامعه مدنی، کنش‌گران زن، مقامات قضایی، سیاستمداران محلی و کارمندان رسانه‌ای، که همه از نسل پسا ۲۰۰۱ افغانستان و متعهد به تنوع سیاسی، آزادی بیان و توسعه مدرن هستند، متمرکز شده است. ده روز پیش از سفرم به افغانستان سه روزنامه‌نگار زن، که یکی فقط ۲۱ سال سن داشت، در شهر جلال‌آباد ترور شدند. میلر به من گفت: «ما انتظار داشتیم که با ورودمان به روند صلح خشونت به تدریج کاهش یابد. این اتفاق نیفتاده است.» حمله بر نیروهای آمریکایی در افغانستان متوقف شده است اما یک افسر ارشد ارتش ایالات متحده که اکنون در هفتمین دور مأموریت خود در افغانستان به سر می‌برد، به من گفت که از زمان امضای توافق‌نامه دوحه بین ایالات متحده و طالبان تاکنون، بیش از ۱۰ هزار افغان (که تعداد قابل‌توجهی از آن‌ها غیرنظامی بودند) جان خود را از دست داده‌اند. جنرال فرانک مک‌کنزی، رییس فرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده به من وقتی با او به کابل سفر می‌کردم، گفت که ده‌ها سرباز افغان هر روز در آنچه تلفات «تکان‌دهنده» این جنگ خوانده می‌شود، کشته می‌شوند. آمریکایی‌ها به این مهم توجه نکرده‌اند، زیرا

بایدن انتخاب دلپره‌آوری در پیش دارد

پنج عامل بر تصمیم بایدن در مورد نقش آینده آمریکا در افغانستان و چشم‌انداز صلح پس از دو دهه جنگ در این کشور تأثیر می‌گذارد.



این آمریکایی‌ها نیستند که کشته می‌شوند. مأموریت ارتش ایالات متحده در افغانستان در حال حاضر عمدتاً بر آموزش و مشوره‌دهی به نیروهای افغان متمرکز است. نیروهای افغان طی این ۲۰ سال گذشته پیشرفت کرده‌اند، اما هنوز راه طولانی را در پیش دارند. جان سوپکو، بازرس ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان در ۱۶ مارچ در کنگره شهادت داد که «نیروهای امنیتی افغانستان به خودکفایی حتا نزدیک نشده‌اند. آن‌ها نمی‌توانند تجهیزات خود را حفظ کنند و زنجیره تأمیناتی و تدارکاتی خود را مدیریت کنند، یا سرباز، خلبان و نیروی تازه پولیس آموزش دهند.» سوپکو گفت که اگر تا اول ماه می یک توافق صلح به دست نیاید، «حکومت [افغانستان] احتمالاً با سقوط روبه‌رو خواهد شد.»

لوید آستین، وزیر دفاع ایالات متحده روز یک‌شنبه هفته گذشته در سفری اعلام‌نشده به افغانستان گفت که ایالات متحده خواهان «پایان مسئولانه» برای این درگیری است. آستین در سال ۲۰۱۱ بر خروج نیروهای آمریکایی از عراق نظارت داشت. اما مک‌کنزی معتقد است که برای جنگ افغانستان هیچ راه‌حل نظامی خوبی وجود ندارد. او گفت: «طالبان در اشتباهند اگر فکر می‌کنند که می‌توانند از راه نظامی به پیروزی برسند. اگر ما خارج شویم، اوضاع ممکن است بسیار متفاوت باشد.»

یکی از گزینه‌ها برای بایدن این است که حضور نظامی ایالات متحده را برای هفته‌ها یا ماه‌ها بدون کدام مهلت مشخص در افغانستان تمدید کند. توافق‌نامه دوحه وعده می‌دهد که در صورت تحقق چهار شرط، از جمله آتش‌بس دائمی، تمام نیروهای آمریکایی از افغانستان خارج می‌شوند. اما در عمل عکس این اتفاق افتاده است. با این‌حال تأخیر در خروج خطرات خودش را به همراه دارد. طالبان تأخیر در خروج را تقریباً به صورت قطع نقض توافق‌نامه ماه فبروری تعبیر می‌کنند و یقیناً آتش‌بس خود را با نیروهای ایالات متحده پایان می‌دهند و حملات خود را بر حکومت افغانستان شدت می‌بخشند (آخرین باری که یک آمریکایی در

لوید آستین، وزیر دفاع ایالات متحده روز یک‌شنبه هفته گذشته در سفری اعلام‌نشده به افغانستان گفت که ایالات متحده خواهان «پایان مسئولانه» برای این درگیری است. آستین در سال ۲۰۱۱ بر خروج نیروهای آمریکایی از عراق نظارت داشت. اما مک‌کنزی معتقد است که برای جنگ افغانستان هیچ راه‌حل نظامی خوبی وجود ندارد. او گفت: «طالبان در اشتباهند اگر فکر می‌کنند که می‌توانند از راه نظامی به پیروزی برسند. اگر ما خارج شویم، اوضاع ممکن است بسیار متفاوت باشد.»

خشکسالی؛

«نگرانم امسال چگونه بگذرد»



شمار زیادی از کشاورزان علاوه بر خشکسالی از نبود سردخانه‌ها و بازار برای فروش فرآورده‌هایشان شکایت دارند. آن‌ها می‌گویند گندم و میوه عمده‌ترین محصول کشاورزی در افغانستان است و دولت باید برای محصولات کشاورزان سردخانه‌هایی اعمار کند تا این قشر جامعه متضرر نشود.

فریضه عالمی

«منتظر بودم، شاید امروز برف بیارد یا فردا. اما نیارید. زمستان خشک و سرد گذشت. نه برف بود و نه باران. امید هم که نیست. گرسنه بمانیم هیچ کس کمک نمی‌کند. نه دولت و نه نهادهای دیگر. نگرانم امسال چگونه بگذرد.» این گفته‌های شیرحسین است که خشکسالی سال پیش رو او را نگران کرده است. او در ولایت بامیان کشاورز و تنها نان‌آور خانواده‌ی هفت نفری‌اش است.

شمار زیادی از کشاورزان افغانستان مانند شیرحسین نگران خشکسالی سال ۱۴۰۰ هستند. آن‌ها از نبود آب کافی برای زمین‌های زراعتی‌شان شکایت دارند. تعداد زیادی این کشاورزان مدعی‌اند که از طرف دولت و نهادهای مسئول در شرایط خشکسالی با آن‌ها همکاری نمی‌شود.

افغانستان کشوری است که تقریباً ۷۵ درصد مردم آن مصروف کشاورزی، دامداری و باغداری‌اند و از این طریق امرار معاش می‌کنند. اما تأثیرات خشکسالی بر کشاورزی و دامداری در کشور در چند سال اخیر چشم‌گیر بوده است. کشاورزان در روستاها با کمبود آب روبه‌رو می‌شوند و نگران‌اند.

وزارت زراعت، آبیاری و مالداري افغانستان نیز نگران است که کاهش بارندگی در زمستان گذشته بیشترین زیان را بر زراعت افغانستان به‌جا خواهد گذاشت.

علی‌اکبر رستمی، سخنگوی وزارت زراعت به اطلاعات روز می‌گوید امسال به‌دلیل کاهش بارندگی حاصلات زمین‌های للمی افغانستان کم خواهد بود. او می‌افزاید ممکن است با کاهش بارندگی علفچرها، چراگاه‌ها و تپه‌ها با کمبود علوفه مواجه شود و مالداري را نیز متأثر خواهد کرد. او با ابراز نگرانی از این وضعیت می‌گوید در سال ۱۴۰۰ احتمال کاهش تولید گندم للمی نسبت به سال‌های قبل وجود دارد. این در حالی است که در سال ۱۳۹۹ مجموع گندم تولیدشده در افغانستان ۵،۱ میلیون متریک تن بوده است اما با توجه به نفوس کشور نیاز سالانه‌ی افغانستان ۶،۴ متریک تن است.

او در ادامه می‌گوید با این میزان تولید در سال گذشته این کشور با ۱،۳ میلیون متریک تن کمبود گندم روبه‌رو بود. این گفته‌ها در حالی از سوی سخنگوی وزارت زراعت مطرح می‌شود که افغانستان در سال ۱۴۰۰ با خشکسالی نیز روبه‌رو خواهد شد.

آقای رستمی تأکید می‌کند که باید دولت، مردم و موسسه‌های خیریه‌ی بین‌المللی در این عرصه آمادگی بگیرند و نگذارند مردم متضرر شوند «وزارت طبق معمول برنامه‌های انکشافی خود را در بخش‌های توسعه‌ی پایدار سکتور آبیاری، زمینه‌سازی برای افزایش غله‌جات مانند برنج و گندم، توسعه پایدار منابع طبیعی و تنظیم علفچرها، جنگلات و باغداری پروژه‌های خود را عملی می‌سازد.»

اشرف یکی از کشاورزان ولایت ننگرهار است. او نیز مانند دیگر کشاورزان نگران زمین‌زراعتی‌اش است. او در گفت‌وگویی با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که اگر امسال خشکسالی شود او هیچ‌راهی برای آبیاری زمین‌هایش ندارد. او با نگرانی می‌افزاید خشکسالی نه‌تنها موجب تخریب زمین‌های زراعتی‌اش می‌شود بلکه دام‌هایش را نیز با کمبود علوفه مواجه خواهد کرد: «سال قبل را با هزاران جنجال و جگرخونی زمین‌ها را با چاه‌ها آبیاری کردم. اما امسال نمی‌دانم که چی قسم این همه زمین را آبیاری کنم. چاه‌های منطقه هم رو به خشک شدن است. موشی هم نیاز به علف دارد. کوه‌ها همه خشک‌اند.

دلیل پیشرفت اطلاعاتی و امنیتی داخلی، برخورداری از ابزارهای نظامی پیشرفته‌تر و همچنین شبکه بین‌المللی از شرکای ایالات متحده برای کمک به واشنگتن، می‌تواند از یک حمله دیگر در مقیاس حملات یازدهم سپتامبر توسط تدریوهای خارجی جلوگیری کند. لوت به من گفت که یک نسل بعد از حملات یازدهم سپتامبر، هدف قرار دادن امریکایی‌ها اکنون دشوارتر شده است و مبارزه با تروریسم نباید عامل تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری‌ها درباره آنچه ایالات متحده باید در خصوص افغانستان انجام دهد، دانسته شود.

عامل تأثیرگذار چهارم اعتبار ایالات متحده است. رییس‌جمهور اوباما در سال ۲۰۱۲ در اولین سالگرد کشته‌شدن اسامه بن لادن توسط نیروهای امریکایی به کابل سفر کرد و توافق‌نامه مشارکت استراتژیک را به امضا رساند. این توافق‌نامه افغانستان را در جایگاه متحد غیرناتو اما مهم ایالات متحده قرار می‌دهد. سه هفته بعد از امضای این توافق‌نامه رهبران ناتو برای اجلاسی در شیکاگو گرد هم آمدند و متعهد شدند که از یک افغانستان «امن و دموکراتیک» دفاع کنند. آن‌ها تأکید کردند که «همکاری نزدیک ما با افغانستان ادامه خواهد یافت.» کراکر تصمیم ایالات متحده خروج از افغانستان را «نه‌تنها شرم‌آور بلکه بسیار خطرناک» می‌خواند. او معتقد است که این تصمیم «به متحدان ما در مورد اعتبار تعهدات و پایداری ما به اصول حقوق بشر» سیگنال منفی ارسال می‌کند.

عامل پنجم و آخری که بایدن باید به آن توجه کند، نقش آتیه امریکا در افغانستان است، به‌خصوص اگر طالبان پس از خروج ارتش امریکا بخشی از حکومت این کشور شوند. افغانستان به‌عنوان یکی از فقیرترین کشورهای روی زمین، برای کار، خدمت‌رسانی اجتماعی و پرداخت معاش مقامات، نیروها و پولیس این کشور به شدت وابسته به کمک‌های بیرونی است. در سال ۲۰۱۸ غنی گفت که ارتش افغانستان بدون حمایت مالی امریکا شش ماه دوام نمی‌آورد. سوپکو نیز در اظهاراتش در کنگره از پیامدهای ناگوار قطع کمک بیرونی به افغانستان سخن زد. او گفت: «هشتاد درصد پول حکومت افغانستان از جمله معاش نیروها، پول برای خرید سوخت و پول برای خرید گلوله، از جانب ایالات متحده و دونه‌های بیرونی تأمین می‌شود. بنابراین قطع کمک‌ها برای افغانستان فاجعه‌است.» در واشنگتن علاقه به حمایت از کشورهای اغلب هنگامی که نیروهای امریکایی از آن کشور خارج شوند و ماهیت تهدید تغییر کند، کاهش می‌یابد.

در سکانس‌های پایانی «جنگ چارلی ویلسون»، ویلسون (نماینده حزب دموکرات در کنگره که طی یک دهه موفق شد سه میلیارد دلار را برای کمک به افغان‌های درحال جنگ علیه شوروی لایه کند) درحال آردن ثبات در افغانستان پسا خروج شوروی است. او در کنگره پیشنهاد می‌کند که فقط یک میلیون دلار برای ساخت مکاتب در این کشور جنگ‌زده از جانب ایالات متحده کمک شود، اما با مخالفت قاطع نمایندگان روبه‌رو می‌شود. ویلسون با عصبانیت می‌گوید: «این کاری است که ما همیشه انجام می‌دهیم؛ ما همیشه به دنبال تحقق ایده‌آل‌های خود می‌رویم، جهان را تغییر می‌دهیم و سپس به حال خودش رها می‌کنیم.»

نماینده‌ای به نام «چارلی» در پاسخ به ویلسون می‌گوید: «کسی به مکتب در پاکستان اهمیت نمی‌دهد.» ویلسون با لحنی شوکه‌آمیز حرف چارلی را اصلاح می‌کند و می‌گوید پاکستان نه، «افغانستان»

رابین رایت، نویسنده و ستون‌نویس همکار است. او از سال ۱۹۸۸ برای نیویورکر می‌نویسد. رایت نویسنده کتاب «قصه را بلرزان: خشم و عصیان در سرتاسر جهان اسلام» است.

افغانستان کشته شد، جنوری سال گذشته بود. یک ماه قبل از امضای توافق‌نامه بین ایالات متحده و طالبان در دوحه).

میلر به من گفت: «ارزیابی من این است که یکم ماه می یعنی اول ماه می. این یک تاریخ واقعی در ذهن طالبان است که براساس آن تصمیم می‌گیرند آیا به توافق‌شان با واشنگتن پابند بمانند یا خیر.» مقامات امریکایی انتظار این را دارند که دوم ماه برای نیروهای امریکایی، ناتو و افغان روز خونینی باشد. مک‌کنزی هشدار می‌دهد که حکومت افغانستان «گرفتار یک جنگ سخت برای حفظ کنترل» شهرک‌ها و شهرهای بزرگ خواهد شد. او هشدار می‌دهد که «اگر ما افغانستان را ترک کنیم، فکر می‌کنم نیروهای افغان دچار مشکل خواهند شد.»

استدلال برای تمديد حضور ایالات متحده هم طرفداران خودش و هم منتقدان خودش را دارد. رایان کراکر، سفیر سابق ایالات متحده در افغانستان به من گفت: «چرا ما برای خروج از افغانستان این قدر دست و پا بزیم وقتی صحبت از حضور تعداد معدودی سرباز، تلفات نزدیک به صفر در یک سال گذشته و یک طالبان عصبانی است؟ ما با این کار خود مردم افغانستان، به ویژه زنان و دختران این کشور را می‌فروشیم. آن هم وقتی که واقعاً هیچ نیازی به این کار نداریم، جز این که خسته و ملول شده‌ایم.»

داگلاس لوت، دگرچترال بازنشسته ارتش امریکا و سفیر سابق ناتو که در امور افغانستان برای دولت جورج دبلیو بوش و باراک اوباما خدمت کرده، مرددتر از بقیه مقامات برحال و پیشین ایالات متحده است. لوت به من گفت که ایالات متحده برای افغان‌ها و امریکایی‌ها در خصوص ایجاد یک حکومت مرکزی که قادر به حل اختلافات عمیق سیاسی و اجتماعی بین افغان‌های شهری و روستاییان سنتی‌تر این کشور باشد، انتظارات غیرواقع‌بینانه خلق کرده است. لوت گفت: «تنها راه‌حل این مشکل این است که حکومت افغانستان بفهمد که ما تا ابد در افغانستان نخواهیم ماند و باید با طالبان مذاکره کند. ممکن است ما این راه‌حل را نپسندیم، ممکن است بسیاری از افغان‌های ساکن شهرها این را نپسندند. اما طالبان مسلمان طی ۲۰ سال گذشت ثابت کرده‌اند که این گروه دست‌کم در بخشی از کشور بخشی از تار و پود واقعی سیاسی به شمار می‌رود.» او گفت: «ایالات متحده نمی‌تواند این را تغییر دهد. با توجه به تقاضاها برای منابع ما، من مانند در افغانستان به دلایل ضدتروریسم یا به منظور جلوگیری از تغییر در نظام سیاسی افغانستان را الزامی نمی‌دانم.»

سومین عامل تأثیرگذار بر تصمیم بایدن این احتمال است که در صورت خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، القاعده می‌تواند دوباره تجدیدسازمان کند. یکی از شرایط توافق‌نامه دوحه این است که طالبان به القاعده اجازه ندهد «از خاک افغانستان برای تهدید امنیت ایالات متحده و متحدانش استفاده کند.» اما با توجه به دهه‌ها خویشاوندی و اهداف ایدئولوژیک و نظامی مشترک بین اعضای القاعده و طالبان، انتظار این که یک گروه جهادی یک گروه جهادی دیگر را مهار کند، ممکن است انتظار غیرواقع‌بینانه باشد. میلر به من گفت که جیب‌های القاعده «کاملاً تحت کنترل طالبان نیست.»

برپایه ارزیابی‌های فرماندهی مرکزی ایالات متحده که بر عملیات‌های نظامی در خاورمیانه و جنوب آسیا نظارت دارد، القاعده می‌تواند در صورت خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان ظرف دو تا سه سال آماده حمله به خاک ایالات متحده شود. مک‌کنزی گفت: «فکر می‌کنم برای طالبان بسیار دشوار خواهد بود که علیه القاعده اقدام کنند و توانایی این گروه را برای حمله به خارج از کشور محدود سازند. امکانش وجود دارد، اما به نظر کار خیلی دشواری خواهد بود.» سایر کارشناسان معتقدند که ایالات متحده اکنون به

مطمئن‌ام امسال به تاوانم خلاص می‌شود.» در افغانستان دو نوع زمین کشت وجود دارد: زمین‌های آبی و زمین‌های للمی (دیمی). زمین‌های آبی نیاز به آبیاری مداوم دارند اما زمین‌های للمی که بیشتر در کوه‌ها و تپه‌ها قرار دارند وابسته به برف و باران‌اند.

براساس آمار وزارت زراعت، افغانستان در مجموع ۳،۶ میلیون هکتار زمین آبی و ۳،۸ میلیون هکتار زمین للمی دارد که از این میان تقریباً ۲،۶ میلیون هکتار زمین مورد کشت قرار گرفته است.

۱،۶ میلیون هکتار زمین کشت‌زارهای گندم و بقیه حبوبات، برنج و سایر سکتورها است. در همین حال تقریباً یک میلیون هکتار زمین للمی نیز کشت می‌شود. طبق پروژه‌های وزارت زراعت سالانه نزدیک به صد هزار هکتار زمین جدید زیر کشت قرار می‌گیرد.

شمار زیادی از کشاورزان علاوه بر خشکسالی از نبود سردخانه‌ها و بازار برای فروش فرآورده‌هایشان شکایت دارند. آن‌ها می‌گویند گندم و میوه عمده‌ترین محصول کشاورزی در افغانستان است و دولت باید برای محصولات کشاورزان سردخانه‌هایی اعمار کند تا این قشر جامعه متضرر نشود.

شمس‌الدین از کشاورزان ولایت قندهار است. او ۲۰ سال است که از راه کشاورزی روزگار می‌گذراند. این کشاورز با انتقاد از مسئولان و کم‌توجهی نهادهای مسئول می‌گوید، برای حفظ و نگهداری محصولات‌شان سردخانه‌ای وجود ندارد و همه‌ساله بخشی از محصولات کشاورزی آن‌ها به علت نبود سردخانه از بین می‌رود: «از یک طرف آب کافی برای آبیاری نیست. از طرف دیگر نمی‌توانیم بدون سردخانه‌ها محصولات‌مان را نگهداری کنیم. نیاز به کمک دولت داریم تا ما را حمایت کند. ما زحمت می‌کشیم تا فایده به تمام مردم برسد. هم ما گرسنه نمائیم و هم مردم از محصولات زراعتی ما با قیمت ناچیز بهره‌مند شوند.»

گزارش اداره‌ی هواشناسی بارندگی در سال ۲۰۲۰ از ۲۲ استیشن مرکزی و ولایات کشور به‌طور مقایسه‌ی نشان می‌دهد که میزان بارندگی ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش یافته است. نسیم مرادی، آمر پیش‌گویی هواشناسی به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که میزان بارندگی در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال‌های دیگر کاهش یافته است.

سیدپادشاه هاشمی، کارشناس امور کشاورزی به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید: «خشکسالی یک حادثه طبیعی است. زمستانی که بدون برف و باران بگذرد، خشکسالی را به بار می‌آورد. امکان دارد امسال افغانستان نیز با خشکسالی روبه‌رو شود. چون زمستان برف و باران نبود.» آقای هاشمی می‌افزاید باران‌های فصلی تا اندازه‌ای به فصل اول کشت کمک می‌کند اما به‌علت کاهش بارندگی‌ها کشت و کار در فصل دوم سال ممکن است بیشتر متضرر شود.

آقای هاشمی ضمن نگرانی از خشکسالی امسال می‌افزاید وزارت زراعت و مسئولان نهادهای ملی و بین‌المللی باید تدابیر جدی در این زمینه روی دست گیرند، تا مردم و دولت با رکود اقتصادی روبه‌رو نشوند: «خشکسالی در افغانستان عوارض جانبی زیادی به‌وجود می‌آورد. مردم با کمبود مواد غذایی روبه‌رو می‌شود. سکتور مالداري نیز به کمبود علوفه مواجه می‌شود؛ چون آن‌ها از چراگاه‌های و علفچرها تغذیه می‌کنند. چون دولت افغانستان راهکار خوب برای هدیرفتن باران‌های موسومی ندارد، این باران‌ها به زمین می‌ریزد و دوباره به شکل سیلاب هدر می‌رود و جذب زمین نمی‌شود.»

روانه ۶/۹ میلیارد دالر کالا پشت کشتی باربری گیر کرده بستن کانال سوئز با اور گیون؛



اطلاعات روز: بسته شدن کانال سوئز با به گل نشستن کشتی باربری عظیم اور گیون باعث شده که روزانه نزدیک به ۱۰ میلیارد دالر کالای بار دیگر کشتی‌ها در دو سوی این کانال گیر کند. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، اطلاعات کشتیرانی لویڈز لیست نشان می‌دهد که روزانه حدود ۱/۵ میلیارد دالر کالا از طریق کانال سوئز به غرب و حدود ۵/۴ میلیارد دالر کالا به شرق می‌رود. به این ترتیب ارزش کل کالاهایی که روزانه از سوئز می‌گذرد ۶/۹ میلیارد دالر برآورد می‌شود؛ یعنی ساعتی ۴۰۰ میلیون دالر. سوئز آبراهی میان دریای مدیترانه و دریای سرخ است که مسیری کوتاه برای تجارت بین آسیا و اروپا فراهم می‌کند. کشتی اور گیون صبح سه‌شنبه و هنگام تلاش برای دور زدن در کانال سوئز به گل نشست. با وجود تلاش‌ها، این نگرانی هست که باز کردن کانال سوئز هفته‌ها به درازا بکشد. بنا به اطلاعات لویڈز لیست هم اکنون ۱۶۰ شناور در دو سوی کانال سوئز سرگردان مانده‌اند که ۴۱ کشتی فله‌ر و ۲۱ نفتکش جزو آنها است.

چین پنج نماینده پارلمان بریتانیا را تحریم متقابل کرد

اطلاعات روز: چین ۹ شهروند بریتانیا از جمله پنج نماینده پارلمان را برای «پراکندن دروغ و اطلاعات نادرست» درباره چین تحریم کرد. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، دولت چین می‌گوید تحریم‌شدگان حق ورود به سرزمین اصلی چین، هنگ‌کنگ و ماکائو را ندارند، دارایی‌های احتمالی آنها در چین ضبط می‌شود و اشخاص حقیقی و حقوقی چینی اجازه معامله با آنها را نخواهند داشت. این تحریم‌ها پس از آن اعلام شد که دولت بریتانیا برای نقض حقوق اقلیت‌های مسلمان در استان سین‌کیانگ، روز دوشنبه تحریم‌هایی علیه چین وضع کرد. تحریم‌های بریتانیا بخشی از اقدام هماهنگ چند کشور غربی بود. برآورد شده که بیش از یک میلیون مسلمان اویغور در چین در اردوگاه‌های «بازآموزی» استان سین‌کیانگ بر خلاف میلشان نگهداری می‌شوند. چین اتهام نقض حقوق اویغورها را رد می‌کند و می‌گوید هدف اردوگاه‌هایش بازپروری، آموزش و مبارزه با افراط‌گرایی است.

۴۳ سناتور امریکایی خواستار خودداری دولت بایدن از بازگشت به برجام شدند

«وضع را وخیم‌تر نکنند.» به گفته آقای بول، او واشینگتن را آماده بازگشت متقابل به اجرای کامل برجام دیده است. امریکا بر لزوم وارد کردن توانمندی موشکی و «رفتارهای بی‌ثبات‌کننده» ایران در منطقه، به موضوع‌های مورد مذاکره در برابر ایران، در صورت تجدید گفت‌وگوها اصرار دارد. مقامات امریکا همچنین انجام مذاکرات مستقیم و بدون واسطه با ایران را درخواست می‌کنند؛ امری که رهبر جمهوری اسلامی ایران آن را اکیدا برای مقامات دولت حسن روحانی منع کرده است. آیت‌الله علی خامنه‌ای در سخنرانی روز اول حمل خود گفت این‌که امریکا و برخی کشورهای غربی می‌گویند که شرایط نسبت به زمان دستیابی به برجام تغییر کرده و لذا باید برجام تغییر کند، مورد موافقت او نیز هست و برجام باید تغییر کند «اما این تغییر باید به نفع ایران باشد زیرا شرایط به نفع امریکا تغییر نکرده بلکه به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر کرده است.» رهبر جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر «لغو عملی همه تحریم‌ها» و لزوم «راستی آزمایی آن از سوی ایران»، در همین حال گفت که حکومت او «عجله‌ای» ندارد و ایران به گفته وی، می‌تواند همچنان بدون بازگشت امریکا به برجام نیز، به امور خود رسیدگی کند. این در حالی است که بسیاری از دولت‌مردان جمهوری اسلامی اذعان دارند که شرایط اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۹ که با بحران همه‌گیری ویروس کرونا نیز همراه بود، به‌شدت وخیم بوده و امید آن‌ها در سال ۱۴۰۰ به رفع سریع تحریم‌های امریکا است.

مربوط به ایران مطرح شود. اشاره آن‌ها ظاهرا به زندانیان دو تابعیتی ایرانی- امریکایی است که در ایران زندانی هستند. سناتور دمکرات رابرت مندز و سناتور جمهوری‌خواه لیندزی گراهام طراحان اصلی تنظیم و ارسال نامه به جو بایدن بوده و حمایت ۴۱ سناتور دیگر را نیز جلب کرده‌اند. سنای امریکا ۱۰۰ عضو دارد. به گزارش خبرگزاری رویترز، امضاءکنندگان نامه اکثرا سناتورهایی هستند که با برجام، توافق هسته‌ای شش قدرت جهانی با ایران در سال ۱۳۹۴ نیز مخالفت کرده بودند. پیش از آن، نامه‌ای با امضای ۱۰ سناتور، که تنها دمکرات‌ها بودند، در لزوم حمایت از بازگشت واشینگتن به برجام، برای رییس‌جمهوری امریکا ارسال شده بود.



«اعلان داوطلبی»

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
دعای روحانیت وزارت
دمعالمجوی طب عمومی ریاست
دخصصی او ثالئی روغتون ریاست
دراجه بلخی روغتون ریاست
داداری مدیریت
دتدار کاتو مدیریت

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت صحت عامه
ریاست عمومی طب معالجوی
ریاست شفاخانه‌ی تخصصی و ثالئی
ریاست شفاخانه رابعه بلخی
مدیریت عمومی اداری
مدیریت تدارکات

تهیه و تدارک ۱۰ قلم تکه باب. ریفرنس نمبر (MOPH/RBH/1400/NCB/G005) {ریاست شفاخانه رابعه بلخی} از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا درپروسه داوطلبی (تهیه و تدارک ۱۰ قلم تکه باب) تحت ریفرنس فوق اشتراک نموده و نقل سافت شرطنامه مربوطه را طوررایگان در فلش از مدیریت تدارکات این اداره بدست آورده، آفرهای خویش رامطابق شرطنامه طورسرسبسته، از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل ازظهر تاریخ ۲۸ حمل ۱۴۰۰ به این ریاست تسلیم نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمیباشد. تضمین آفر { تضمین بانکی به مبلغ ۷۰۰۰۰ افغانی } بوده و جلسه آفرگشایی به وقت ذکرشده در بلاک بی منزل دوم اتاق کنفرانس شفاخانه تدویرمیگردد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
مترجم: جلیل پژواک
ویراستار: شیرمهریار
صفحه آرا: رضا مظفری
ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲۲
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷
توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

حس فروغ ارشاد

شوق خاصی برای گرفتن شناسنامه الکترونیکی نداشتیم. نمی‌دانم چرا ولی از درگیر شدن به ادارات دولتی گریزان هستم. به هر روی، خواستم سری به سیستم آنلاین ثبت‌نام شناسنامه برقی بزنم. سیستم آنلاین تا حدودی منظم به نظر می‌رسید و آدم را بیشتر وسوسه می‌کرد تا قدم‌به‌قدم مراحل سیستم را پیش برود. این‌گونه شد که خودم و پنج تن از اعضای فامیل‌ام را ثبت سیستم آنلاین برای دریافت شناسنامه برقی نمودم. آخرین مرحله ثبت‌نام سیستم آنلاین، انتخاب محل دریافت شناسنامه می‌باشد. مرکز توزیع شناسنامه در حوزه ۱۳ چند کوچه آن‌سوتر از خانه ما در محل کاملاً مسکونی قرار دارد. من نیز به دلیل نزدیکی محل، مرکز توزیع دشت‌برچی را به‌عنوان مرکز دریافت شناسنامه انتخاب نمودم. آخرین مرحله ارسال فورم را کلیک نمودم و سیستم اطلاع داد که به‌زودی از مرکز توزیع شناسنامه برای تکمیل مراحل حضوری بعدی تماس دریافت خواهید نمود. ۲ و نیم گذشت و آن وعده «به زودی» دیر شد و تماسی دریافت نکردم.

یکی از دوستانم مرکز توزیع شناسنامه افشار را پیشنهاد کرد. او می‌گفت مرکز توزیع افشار پروبار کم‌تری دارد و می‌شود در زمان کم‌تری موفق به دریافت شناسنامه برقی شد. من نیز دوباره از نو شروع به ثبت‌نام سیستم آنلاین کردم. ابتدا فکر می‌کردم سیستم آنلاین نام و مشخصات‌ام را شناسایی می‌کند و اجازه ثبت‌نام مکرر را نخواهد داد. پس از شروع مجدد ثبت‌نام فهمیدم هیچ مشکلی وجود ندارد. با ختم ثبت‌نام این بار محل اخذ شناسنامه را افشار انتخاب نمودم. در آخرین مرحله ثبت‌نام متوجه شدم سیستم نسبت به دو ماه قبل بهبود یافته است. این بار به‌جای وعده دریافت تماس، سه روز کاری همراه با ساعات کاری مشخص برایم نشان داده شد تا هر روز و هر ساعتی را که خودم می‌خواهم برای حضور در مرکز توزیع شناسنامه افشار، به دل‌خواه خودم انتخاب نمایم. ساعت یک تا دو بجای یکی از روزها را انتخاب نمودم. شاید این اولین باری بود که در سیستم اداری ادارات افغانستان برای مراجعه به اداره با زمان‌بندی روز و ساعت برخوردیم. در ته دل خوش‌حال شدم و چشم‌امیدی به آینده روشن سیستم‌سازی دوختم.

چهار روز گذشت. روز پنجم به پاس احترام به نظم که سیستم آنلاین برایم خبر داده بود دقیقاً ساعت یک‌بجای پس از چاشت به محل توزیع شناسنامه برقی افشار حاضر شدم. با عبور از دروازه ورودی با غرفه تلاشی مواجه شدم. با گذر از تلاشی سبک و دستی به جمعیت سرگردان درون دیوارهای کانکریتی مرکز توزیع شناسنامه پیوستم. تصویر قشنگی که از نظم و زمان‌بندی فضای

شناسنامه برقی؛

فضای شیک آنلاین و بی‌نظمی در مدیریت توزیع



زبان خشونت، تحقیر، تهدید و گاهی دشنام یکی از معمول‌ترین شیوه‌های سخن گفتن اکثر کارمندان ادارات دولتی افغانستان شده است. اخلاق اداری هم از طول و هم از عرض به طرف صفر مسیر می‌پیماید. گویا دورنمای اخلاقی ادارات ما رذالت و پستی باشد.

فردای آن‌روز نیز پیش‌تر از ساعت هشت در محل حاضر شدم و با قرار گرفتن در یک صف طولانی وارد مرکز توزیع شناسنامه شدم. روز گذشته با شکار یک فرصت از مرحله تثبیت هویت گذر کرده بودم و اکنون من و تعدادی دیگر در پشت شعبه عواید منتظر بودیم تا کارمند بخش مربوطه حاضر گردد و پول معینه را تحویل بدهیم. ساعت ۸:۴۰ بود اما هنوز شعبه عواید بسته بود. در کنار من مرد جوان و تنومند اما با چهره خسته از درد حضور داشت. او می‌گفت یکی از سربازان نیروهای امنیتی است و در جریان درگیری‌ها از ناحیه کمر زخم برداشته است. کارمند شعبه عواید ساعت ۸:۴۵ پشت پنجره آمد و مرد سرباز گفت: یک ساعت است که با کمر معیوب در صف انتظار هستم ولی شما نه پروای مسئولیت‌تان را دارید و نه پروای کار مردم را. مأمور مثل بقیه هم قطارانش به خشم شد و چشم در چشم خسته‌ی سرباز گفت: «چپ باش، گپ زدن ته نمی‌فامی باز آمدی تذکره می‌گیری». او شاید به این دلیل که قدرتش را به رخ ما کشانده باشد گفت می‌خواستیم کارم را شروع کنیم اما حالا ده دقیقه‌ی دیگر نیز منتظر باشیم. سرباز با چشم‌های آفروخته از قهر و سیمای خسته از درد خودش را به عقب کشید و پشتش را به درخت نیم‌قد رویه‌روی شعبه عواید تکیه داد. ما نیز ده دقیقه‌ی دیگر پشت پنجره ایستاد ماندیم تا قهر کارمند عواید فروکش کند.

پس از ماجراهای بسیار به مرحله‌ی نهایی اخذ شناسنامه برقی رسیدم. در داخل دفتر کسی که مرحله نهایی ثبت‌نام را انجام می‌داد در صف ایستاده بودیم. دقیق نمی‌فهمم ولی فکر کنم شعبه کنترل کیفیت بوده باشد. یکی از مراجعین آمد و گفت پیش‌تر فایل اسنادم را به سفارش همکاران روی میز او گذاشته بودم اما حالا نیست. کارمند مخاطب، خم به ابرو نیاورد، گویا کسی با او سخن نگفته است. آن‌مرد دوباره این‌سو و آن‌سو را دید و کنار میز کارمند کنترل کیفیت خم شد تا دوسیه‌های روی زمین را به هدف یافتن قد خمشده مصروف جست‌وجوی اسنادش بود، کارمند چاق و اندامی دست چپش را محکم روی میزش کوبید. صدای خلق شده از دست گوشتی کارمند و میز چوبی‌ای لاغر فضای کوچک دفتر را لرزاند. جوان سراسیمه برخاست و چشم‌درچشم کارمند ایستاد ماند. کارمند بخش کنترل کیفیت آن جوان را به بیرون راهنمایی نمود. جوان با صدای لرزان گفت اسنادم را همین‌جا مانده بودم اگر این‌جا نیست پس کجاست؟ کارمند تذکره با تن صدای تحقیرآمیزش گفت: «خوردیمش».

«اگه میتانی بندش کو بچیم». کلام پیرمرد جنبه اعتراضی داشت یا تأییدی نفهمیدم اما به خوبی سرباز را واداشته بود تا فرار را بر قرار ترجیح دهد.

یکی از دلایل این همه بی‌سرسرستی در بخش تثبیت هویت مصروفیت بیش از حد کارمندان بخش مربوطه با فورمه‌های سفارشی اقوام، دوستان و شاید هم کمیشن‌کاران می‌باشد. به وضوح دیده می‌شود که هیچ کارمندی بی‌کار ننشسته است اما به‌جای رسیدگی به مشکل عموم مردم مصروف رسیدگی به امور سفارشی است. مشکل این‌جاست که سیستم را به تاقچه بالا گذاشته‌ایم و به‌جای سیستم سفارش چرخه را می‌چرخاند. سخن کوتاه. از ساعت یک تا دو منتظر ماندم خبری نشد. ساعت دو، سه شد و سه نیز چهار. کارمندان پیش از ساعت چهار یکی‌یکی رفتند و تنها سه کارمند که گفته می‌شد اضافه‌کاری دارد در شعبه ثبت هویت مانده بود. در آخرین دقایق ساعت سه دیدم فورمه‌ام روی میز یکی از کامندان تثبیت هویت دیده می‌شود. من نیز فرصت را غنیمت شمردم و از دروازه وارد شعبه شدم تا فورمه‌هایم را بگیرم. با احترام کامل گفتم فکر کنم تثبیت هویت فورمه‌ام را تکمیل کرده‌اید و می‌خواهم برای طی مراحل مرحله‌های بعدی تحویل‌اش بگیرم. کارمند تثبیت هویت با ترش‌رویی دروازه خروجی را نشان داد. من اما به‌جای خروج هم‌چنان بی‌تفاوت کنار میز ایستاد ماندم. مأمور دوباره با قهر بیش‌تر گفت: «ده گپ نیمفامی؟ خرابش کنم؟». لیخندی زدم و با خون‌سردی حرف‌های تحویلش دادم. سپس فورمه‌هایم را برداشتم و از دروازه خارج شدم.

نظم فضای ثبت‌نام آنلاین و بی‌نظمی کارهای حضوری درهم تنیده بود و چیزی شبیه ناامیدی برای آدم خلق می‌کرد، ناامیدی بزرگ از عدم موفقیت در سیستم‌سازی. فقدان سیستم و نظم کاری را به وضوح می‌شد لمس کرد. تعدادی از مردم با وعده دقیق ساعت‌وار سیستم آنلاین به این مرکز آمده بود اما به دلیل نبود سیستم و نظم، دو تا سه‌روز را از هشت صبح تا چهار عصر برای تثبیت هویت‌شان در پیش پنجره ایستاد مانده بودند. کسانی هم بودند که پس از یک ساعت انتظار، مرحله تثبیت هویت‌شان تکمیل می‌شد. تشتت و پراکندگی اسناد نیز مشکل دیگری بود که تعدادی دیگری را در سردرگمی فرو برده بود. مردی می‌گفت تمام اسناد و فورمه‌هایم را در داخل یک فایل تحویل داده است اما اکنون فورمه‌های هر یک از اعضای فامیل‌اش پراکنده شده و پس از دو روز هنوز موفق به دریافت تمام فورمه‌ها نشده است. یکی دیگر از مراجعین که سه‌روز پایی از ساعت هشت تا چهار منتظر تثبیت هویت مانده بود با خشم و خشونت به زور وارد شعبه تثبیت هویت شد. او پس از اندک جست‌وجو فورمه‌اش را از سر میز یکی از کارمندان پیدا نمود. او سپس رو به کارمندان ایستاد و فورمه‌هایم را پاره کرد. دشنام رکیکی هم نثار شناسنامه برقی نمود و از مرکز خارج شد. مراجعین به تنگ آمده بود و هرچند دقیقه انگشتی به رسم اعتراض شیشه‌ی پنجره را به صدا در می‌آورد. در این زمان یکی از نیروهای امنیتی پیش پنجره آمد و پس از تشر بالای مردم با صدای بلند و غرورآمیز گفت: «بندش کنم؟» پیر مردی مرضی که صدایش از پیری می‌لرزید گفت:

آنلاین در ذهنم حک شده بود با دیدن بی‌نظمی‌های داخل مرکز در هم شکست. حالا به زیبایی می‌شد فهمید که تعیین تاریخ و ساعت مراجعه به مرکز، چیزی جز زیباساختن محیط ثبت‌نام آنلاین نبوده است. هیچ تابلو، نشانی یا راهنمایی نبود تا یک مراجعه‌کننده بفهمند کارش از کجا شروع می‌شود و به کجا ختم می‌شود. با پرس‌وجویی دریافت‌کنم که فورمه‌هایم را باید از یک پنجره برای کارمند موظف در پشت پنجره تحویل بدهم. فورمه‌هایم را داخل دوسیه‌ی گذاشتم و تحویل کارمند نشسته در پشت پنجره دادم. کارمند نشسته در پشت پنجره با زست خاصی گفت برو و فردا بیا. گفتم پشت فورمه‌ها را اگر بخوانید می‌فهمید که تاریخ مراجعه، امروز و دقیقاً ساعت یک تا ۲ پس از چاشت نوشته شده است. تمام کسانی که در پیش پنجره منتظر دریافت دوباره فورمه‌های شان بودند با خنده‌های پراکنده‌ای گفتند: تاریخ و نوبت دروغی بیش نیست. کارمند تثبیت هویت دوباره تأکید کرد که امروز مرحله تثبیت هویت‌ات تکمیل نمی‌شود. من اما برای دریافت فورمه‌هایم ماندن را بر رفتن ترجیح دادم.

تصویر قشنگی که از نظم و زمان‌بندی فضای آنلاین در ذهنم حک شده بود با دیدن بی‌نظمی‌های داخل مرکز درهم شکست. حالا به زیبایی می‌شد فهمید که تعیین تاریخ و ساعت مراجعه به مرکز، چیزی جز زیباساختن محیط ثبت‌نام آنلاین نبوده است.

اطلاعیه عام تصمیم اعطای قرار داد

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود، ریاست شفاخانه جمهوری در نظر دارد قرار داد (تهیه ۴۱ قلم مواد تنظیفاتی مورد ضرورت شفاخانه جمهوری را برای سال ۱۴۰۰ تحت رفرنس نمبر (MopH/JAMH/NCB1400/G008) با شرکت (شرکت خدماتی لوژستیک نقیب فضل خیرخواه) دارنده جواز نمبر (۵۶۷۸۰) محل اصلی کمپنی قلعه حیدر خان مرکز کابل، به قیمت مجموعی مبلغ (۱۰۰۰۵۰۰) ده میلیون پنجمند افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هر گون اعتراض در زمینه داشته باشند، می توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست شفاخانه جمهوری واقع (چهار راهی صدارت مقابل ولایت کابل، ریاست شفاخانه جمهوری مدیریت عمومی اداری خدمات تعمیر چهار منزله بخش اداری) وفق حکم ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد خواهد شد.

نوت: این اعلان پنجشنبه مورخ ۵ حمل ۱۴۰۰ به روزنامه اطلاعات روز تحویل داده شده است و اطلاعات روز به خاطر عدم چاپ در روز پنجشنبه اعلان ذیل را به تاریخ امروز به چاپ گرفته است.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		قیمت: ۲۰ افغانی
6 Months	120S USD	۴۰۰۰ افغانی	شش ماهه	
Annual	200S USD	۷۰۰۰ افغانی	یک ساله	

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



برای ایجاد صلح، زنان را از همان ابتدا شامل کنید

مانع مواجه کرده است. اگر زنان در مذاکره و تهیه پیش نویس توافق نامه هیچ نقش اصلی نداشته باشند، نقش آن‌ها در اجرای توافق نامه اغلب مشخص نیست، بنابراین در مراحل بعدی مانع گسترش تدریجی شمولیت می‌شود.

این پدیده در افغانستان قابل مشاهده است. توافق نامه سال ۲۰۱۶ میان دولت افغانستان و گروه شورشی حزب اسلامی به صراحت از منافع زنان و حقوق مبتنی بر جنسیت محروم بود. این [توافق نامه] فقط حاوی یک تعهد بلاغی برای محافظت از «حقوق و امتیازات هر شهروند افغان، اعم از زن و مرد» است. با این حال، بدون هیچ ماده خاصی برای اثبات قانونی این اصول و هیچ مکانیزمی برای مشارکت گسترده‌تر در مرحله اجرا، بدهی است که آن‌ها حقوق زنان افغان را رعایت نمی‌کنند. همین الگو در مالی اعمال شد، جایی که به حاشیه راندن زنان از جامعه مدنی در طول مذاکرات و در مکانیزم‌های پی‌گیری پس از توافق نامه، منجر به اعتراض سازمان‌های زنان در برابر نمایندگی محدود آن‌ها در روند اجرای [توافق نامه] صلح شد.

درس‌هایی برای روندهای فعلی صلح

برای تضمین مشارکت موثر گروه‌های زنان، میانجی‌ها باید از مشارکت زنان در صحنه‌های اولیه تعیین آجندا که تأثیر آن‌ها را در هنگام مذاکرات رسمی بسیار افزایش می‌دهد، اطمینان حاصل کنند. میانجی‌ها همچنان باید اطمینان حاصل کنند که توافق‌نامه‌های صلح نحوه‌ی حضور نمایندگان زنان در مرحله اجرا را مشخص می‌کند. این روش‌ها می‌توانند حمایت دیپلماتیک فنی و مالی را که اغلب توسط بازیگران بین‌المللی برای ارتقای مشارکت معنادار زنان در روند صلح ارائه می‌شود، تقویت کنند.

در سراسر میانمار (برمه) زنان در مرکز اصلی مقاومت معروف بدون خشونت در برابر کودتای نظامی فبروری ۲۰۲۱ علیه یک دولت غیرنظامی منتخب، قرار گرفته‌اند. نتیجه مبارزه فعلی هرچه باشد، در نهایت روند صلح میانمار باید برای بازنگری در نظر گرفته شود تا نمایندگی زنان فعال را نشان دهد. نه دولت، نه احزاب سیاسی و نه سازمان‌های مسلح قومی نمی‌توانند مانند گذشته زنان را کنار بگذارند. این نخبگان ناگزیر از گنجاندن زنان را در گفت‌وگوی سیاسی به‌عنوان مثال از طریق سهمیه‌های نمایندگی و مشارکت اختصاصی در کمیسیون‌های موضوعی خواهند بود.

کلمبیا نشان دهنده تأثیر دعوت از فعالان حقوق زن به گفت‌وگوهای قبل از مذاکره و تعیین آجنداست. زنان سپس فرصت بیشتری برای تنظیم مباحث و برنامه‌ها و معاشرت با مذاکره کنندگان از طرف‌های درگیر تا نگرانی حوزه‌های انتخابیه خود دارند. این درس‌ها برای روند صلح در افغانستان، جایی که زنان متحدین اساسی در اجرای توافق نهایی خواهند بود، بسیار حیاتی است. طراحی مرحله قبل از مذاکره جای امیدواری را داده است که روند فعلی با طالبان مانند توافق با حزب اسلامی، فقط در انحصار [امردان] نخواهد بود. هنگامی که هیاتی از دولت و جامعه افغانستان در جولای سال ۲۰۱۹ با نمایندگان طالبان نشستند و در مورد شکل دادن یک روند صلح بحث و گفت‌وگو کردند، این هیات شامل تقریباً ۲۵ درصد زنان بودند. فقط این شمولیت اولیه، همراه با تلاش‌های گسترده شبکه زنان افغانستان - بسیج و آموزش زنان افغان در جامعه مدنی - این امید را خلق می‌کند که هنوز ممکن است به زنان افغان اجازه مشارکت معنادار داده شود و حقوق آن‌ها برای یک فرصت خیالی پایان سریع درگیری معامله نمی‌شود.

ورونیکا دودویت و اندرس شادل مشاوران بنیاد Berghof مستقر در برلین هستند. این مقاله از پژوهش‌های تهیه شده است که در سال ۲۰۱۹-۲۰۲۰ با کمک مالی انستیتوت صلح ایالات متحده (USIP) انجام شده است.



بومی و فعالان لژیون‌ها، گی‌ها، دوچنسه‌گرایان، تراجنسیتی‌ها و میان جنسی‌ها (LGBTIs) تسهیل کرد. در نتیجه، توافق‌نامه به حقوق زنان و سایر جوامع که به لحاظ تاریخی به حاشیه رانده شده بودند، توجه ویژه‌ای میدول داشت. بر این اساس توافق‌نامه‌ی صلح کلمبیا توسط متخصصان مختلف صلح‌سازی و حقوق زنان به عنوان فراگیرترین توافق‌نامه‌ی صلح در تاریخ توصیف شده است.

متأسفانه روندهای صلح به‌طور معمول گروه‌های اجتماعی را از مذاکرات اولیه خارج می‌کنند. گروه‌هایی که در ابتدا در حاشیه بوده‌اند، در مراحل بعدی روند صلح کمتر سهم می‌گیرند و گاهی احتمال دارد در برابر اجرای توافق نهایی مقاومت کنند. این مورد در میان مالایی‌ها در هنگام مذاکره روی توافق‌نامه الجزایر که در سال ۲۰۱۵ بین دولت مالی و دو ائتلاف گروه‌های مسلح از شمال کشور، منعقد شد، دیده شده است.

تحت فشار میانجی‌های بین‌المللی برای تسریع در مذاکرات و انعقاد توافق، نه طرف‌های مذاکره و نه میانجی‌های اصلی (در ابتدا بوریکنافاسو، سپس الجزایر) طرفدار گسترش مشارکت در میز [مذاکره] نبودند. گروه‌های مدافع حقوق زنان از مذاکرات اولیه آتش‌بس کنار گذاشته شدند و در طول مذاکرات، جایی که جنگ مسلحانه تنها معیار ورود معنادار [به میز مذاکره] بود، هیچ نقش معناداری ایفا نکردند. اگرچه مذاکره کنندگان چند زن را به‌عنوان بخشی از هیات‌های جامعه مدنی در مذاکرات رسمی در الجزیره انتخاب و دعوت کردند، یک فعال جوان مصاحبه‌شده برای تحقیق گفت که او احساس می‌کند فقط به‌عنوان یک «مرحله» جهت مشروعیت بخشیدن به روند، عمل می‌کند و «در متن توافق‌نامه تنها یک تک‌کامه براساس مشارکت جامعه مدنی تعدیل نشده است.» کنار گذاشتن زنان و بخش‌های وسیع جامعه منجر به مقاومت مردمی در برابر توافق در باماکو، پایتخت مالی و مناطق اطراف آن شد. این مقاومت مانع اجرای توافق‌نامه شد و به کودتای نظامی در اگست ۲۰۲۰ در مالی کمک کرد.

نقش‌های اولیه زنان به اجرای توافق‌نامه‌های صلح کمک می‌کند

در کلمبیا زنان در کمیسیون‌های مختلفی که برای اجرای توافق‌نامه‌ی هاوانا تشکیل شده بود، نقش‌های رهبری را داشته‌اند. در سایر روندهای صلح برعکس، تأخیر در مشارکت زنان و سایر گروه‌های حاشیه‌ای، تأثیرگذاری [مفید] آن‌ها در اجرای توافق‌نامه‌ی را که در مذاکره‌اش شرکت نکرده‌اند، با

تأثیر معنادار بر محتوا و سرعت اصلاحات دولت داشته باشد. برای چالش‌های زمان‌بندی و تعیین تسلسل در گسترش شمولیت، پژوهش و عملکردها در شناسایی افراد دخیل و چگونگی اجرا و تطبیق، پیشرفت‌هایی داشته است اما ما هنوز در مورد زمان دقیق چنین اتفاقی که منجر به همه‌شمولی شود، اطلاع اندکی داریم.

یک پروژه تحقیقاتی که توسط بنیاد برگف (Berghof) با کمک مالی موسسه صلح ایالات متحده انجام شده است، افزایش تدریجی شمولیت جامعه مدنی و گروه‌های مسلح غیر امضاکنده در چهار معاهده صلح یا توافق‌نامه آتش‌بس را که بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ منعقد شده است، آزمایش و بررسی کرده است. شواهد - از کلمبیا، مالی، افغانستان و میانمار - نشان می‌دهد که وقتی روند رو به پیشرفت است، شمولیت گروه‌های زنان اغلب کارساز نیست. این امر نمی‌تواند منافع آن‌ها را به اندازه کافی تأمین یا آرزوهای آن‌ها را به مشارکت سازنده در روند صلح یا جامعه پس از جنگ تبدیل کند. برای تأمین منافع و مشارکت سازنده در روند صلح یا پیشرفت جامعه پس از جنگ، زنان باید از همان ابتدا شامل روند شوند.

زنان حمایت عمومی از فرایندهای صلح را تقویت می‌کنند

تجربه کلمبیا نشان می‌دهد که مشارکت زنان در مراحل اولیه تعیین آجندای یک فرایند صلح، می‌تواند به آن‌ها فرصت دهد که در مراحل بعدی مذاکرات رسمی و اجرای توافق‌نامه، از یک رویکرد مداوم جنسیتی اطمینان حاصل کنند. مشارکت زنان در مجامع عمومی که برای تعیین آجندا در سراسر کلمبیا برگزار شد، به ایجاد اعتماد از سوی مردم و احساس مشروعیت در جریان مذاکرات کمک کرد. این موارد همچنین کمک کرد تا زمینه برای دولت و چریک‌های فارق مهیا شود که در حین گفت‌وگوهای رسمی در هاوانا از نمایندگان جامعه مدنی دعوت کنند - تصویری از قدرت یک نمونه شمولیت در ابتدا برای تأثیرگذاری بر تحولات بعدی.

موثرترین سازوکار برای مشارکت فراگیر در گفت‌وگوهای هاوانا، کمیسیون فرعی [مبتنی] بر جنسیت بود که توسط دولت کلمبیا و جنبش شورشی فارق ایجاد شد. این کمیسیون فرعی که موفق شد شامل زنان و اقدامات حساس به جنسیت در طول توافق‌نامه‌ی صلح باشد، زمینه گفت‌وگو با جنبش‌های اجتماعی را به نمایندگی از زنان آواره در اثر خشونت، زنان کشاورز، نمایندگان زنان آفریقایی-کلمبیایی و

منبع: ورونیکا دودویت و اندرس شادل، انستیتوت صلح ایالات متحده
ترجمه: فاطمه فرامرز

صلح‌سازی اغلب با تعداد کمی از افراد در درون اتاق‌ها آغاز می‌شود. برای موفقیت آن، نیاز است که زنان در آن‌جا حضور داشته باشند. در ۲۰ سال گذشته که دولت‌ها ضروری دانسته‌اند گروه‌های زنان و خواسته‌های آنان را در روند صلح شامل کنند، تجربه‌ها و تحقیقات نشان می‌دهد که این اصل توافق‌نامه‌های صلح را تقویت می‌کند و به جلوگیری از شعله‌ور شدن دوباره‌ی جنگ کمک می‌کند. با این حال، شمولیت زنان که در مورد آن کم‌تر آگاهی‌دهی شده، از برخی جهات ناقص بوده است. اکنون مطالعه روندهای اخیر صلح در کلمبیا، مالی، افغانستان و میانمار راهنمایی‌های جدیدی در مورد چگونگی شکل دادن به نقش زنان ارائه می‌دهد. یک درس مهم این است که باید از همان ابتدا اطمینان حاصل شود که زنان شامل روند می‌شوند.

از نظر تاریخی، مذاکرات صلح مشغولیت دولت‌ها، نخبگان و مردان بوده است. حتا با تغییر ماهیت جنگ‌ها - از درگیری بین دولت‌ها به گسترش جنگ‌های داخلی - صلح‌سازی در کنار داشتن چند نماینده از نیروهای جنگی همچنان به‌عنوان معامله‌ی نخبه‌ها باقی مانده است و بخش‌های وسیعی از جامعه بیرون نگه داشته شده‌اند.

با وجود این، شواهد از حدود ۵۰ درصد از توافق‌نامه‌های صلح که طی پنج سال از هم می‌پاشند، نشان می‌دهد که صلح پایدار به چیزی بیشتر از یک پیمان مذاکره‌شده بین نخبگان نیاز دارد. فرایندهای صلح پایدار باید منافع کل مردم را به‌ویژه با جبران محرومیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع که همچنان عامل اصلی درگیری‌هاست، منعکس کند.

وعده‌ی دروغین شمولیت روزافزون

بزرگ‌ترین اجتماع و منبعی که از روندهای صلح بیرون مانده است، زنان هستند. صلح با رهبری مردان، اغلب زنان را به تجربه‌شان به‌عنوان قربانیان خشونت تقلیل می‌دهد و حتا زمانی را که نقش فعال در این درگیری‌ها داشتند، به حاشیه می‌برد. اکنون بسیاری از پژوهش‌گران و فعالان اصرار دارند که تصویر زنان به‌عنوان قربانیان منفعل، مادران و پرستاران باید با تصویری دقیق‌تر از شوه‌های مشارکت زنان و متأثر شدن آنان از درگیری‌ها، جایگزین شود.

میانجی‌ها و سایر افراد درگیر در فرایندهای صلح معتقدند که شامل کردن صدای همه گروه‌های اجتماعی از جمله زنان در میز اصلی مذاکره غیرواقعی و ناکارآمد است و این شمولیت مذاکرات پیچیده را دست‌کم با به‌چالش کشیدن منافع رهبران قدرتمند نیروهای جنگی، پیچیده‌تر می‌کند. این مشکل منجر به منطقی «شمولیت فزاینده» می‌شود که در آن بیشتر روندهای فعلی صلح با گفت‌وگوهای غیررسمی، اکتشافی (و غالباً مخفی) در میان چند نماینده از متخصصان اصلی آغاز می‌شود. در مرحله بعد، گفت‌وگوها رسمیت یافته و از نظر موضوعی گسترده‌تر می‌شوند. مشارکت‌کنندگان بیشتری روی میز آورده می‌شوند، به‌ویژه اگر مشارکت آن‌ها برای یک توافق موفق ضروری باشد. سرانجام، برای اجرای توافق‌نامه‌های امضاشده، از بخش‌های وسیع‌تری از جامعه دعوت می‌شود تا از طریق تشکیل مجامع، کنفرانس‌های ملی یا کمیسیون‌ها در طراحی اصلاحات ساختاری و سازوکارهای آشتی کمک کنند.

در عمل، این الگو بیشتر گروه‌های جامعه مدنی - از جمله زنان - را به‌عنوان تماشاگران یک توافق سیاسی که گفته می‌شود به‌نام آن‌ها مذاکره شده است، طبقه‌بندی می‌کند. به آن‌ها فقط فرصت داده می‌شود تا نظرات خود را از طریق مجامع مشورتی غیررسمی، دادخواست‌ها، نظرسنجی‌های عمومی، تأیید همه‌پرسی‌ها، انتخابات پس از توافق یا اقدامات غیرخشونت‌آمیز مانند اعتراضات خیابانی بیان کنند. در این حالت خیلی دیر و [بعد] است که شمولیت گروه‌های زنان